

توطئه هفتم امریکا علیه انقلاب

آغاز شده است

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۷
چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۹ صفر ۱۴۰۱، ۱۵۰ ریال

علمی از اوضاع کنونی آن را پیش بینی کرده مدتی است که آغاز شده است. مرود آنچه که در لحظات کنونی در مین ما میگذرد، در مقایسه آن با جوی که پیش از

پس از درهم شکستن توطئه ششم امریکا، توطئه هفتم این دشمن شماره یک انقلاب ایران و همه محرومان جهان با دامنه‌ای وسیع تر و شدتی به مراتب زیادتیر وارد مرحله عمل خواهد گردید.

(رفیق نورالدین کیانوری - ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹، نامه مردم - ۱۴ آبان ۱۳۵۹) اکنون باید گفت که تدارک وسیع امریالیسم امریکا، برای اجرای توطئه هفتمی که دیرپا و کینه مروری حزب توده ایران، ۲۳ روز بعد از توطئه ششم امریالیسم امریکا، بسرینیاخت شناخت علمی حزب توده ایران از عملکرد امریالیسم و تحلیل

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

جمهوری اسلامی ایران است. همه بیاد دارند که پیش از تهاجم نظامی امریکا به طیس، چگونه مسئله تعطیل دانشگاهها صورت جنجال عظیمی در آمد که، در پس خیابان، کساندهای آمریکائی بنوی خاک چین ما در پرواز بودند. بگذرانید، در زمینه اجتنابی روزهای قبل از کودتای نوژه، اندکی پیش درنگ کنیم. براساس نگاه دوباره به رویدادهای ۶ ماه پیش، سختگفت‌آور و میرت‌آموز است.

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

به پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در راه پیمائی روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۵۹ شرکت کنیم

کمیته مرکزی حزب توده ایران اعضاء و هواداران حزب و همه نیروهای انقلابی و میهن‌دوست را فرا میخواند که با شرکت فعال و وسیع خود در راهپیمائی ۲۷ آذر ۵۹ در سراسر کشور، بار دیگر پشتیبانی خود را از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، از تمیق انقلاب ۲۲ بهمن و گسترش مبارزه بر ضد امریالیسم، بسرکردگی امریکه، اعلام دارند.

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

در ادامه نبرد با دشمنان متجاوز رزمندگان انقلاب تعدادی از سنگرها و تجهیزات دشمن را نابود کردند

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

مردی در افاق

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

«اوپک» سازمان کشور های صادر کننده نفت نقش گذشته، حال و آینده این سازمان

توطئه‌های ششگانه قبلی امریکا و بویژه تهاجم نظامی طیس و کودتای نوژه در ایران وجود داشت، کترین تردیدی باقی نماند که در پشت پرده

برای مبارزه با امریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«اوپک» سازمان کشورهای صادرکننده نفت

نقش گذشته، حال و آینده این سازمان نقش ایران در «اوپک»

این اسر که با وجود جنگ بین دو کشور از اعضاء «اوپک»، محاذک سازمان کشورهای صادرکننده نفت از هم نیابتید و توانست موجودیت خود را حفظ کند و هم اکنون نمایندگان آن در یالی (اندونزی) در یکی از کنفرانسهای نوپتی گرد آمدهاند تا به حل و فصل مسائل مورد علاقه بپردازند. بدین ترتیب افکار عمومی را متوجه مواضع مستحکمی میسازد که این سازمان بر پایه آن بوجود آمده، بر آن اساس حق حیات خود را تثبیت کرده و برای حال و آینده، نوبه بیرونیهای بیشتری را میدهد.

در این نوشته سعی ما مروری بر گذشته، حال و آینده این سازمان است، تا نقش و اهمیتی که این سازمان در مبارزه کلیه ملل و کشورهای نفتخیز در حال رشد علیه سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی آن ایفا کرده و خواهد کرد، بیشتر روشن گردد.

علل پیدایش «اوپک»، مراحل اصلی مبارزات این سازمان در ۲۰ سال گذشته، نقش ایران در پیدایش و مبارزات این سازمان از مسائلی است که در این رشته به آنها پرداخته ایم.

علل پیدایش «اوپک»

پس از شکست نهضت ملی شدن نفت در ایران، دول امپریالیستی و در صف مقدم، انحصارات امپریالیستی نفت، که در دهه اول پس از جنگ جهانی دوم تا حدی روش مدارا در برابر کشورهای نفتخیز در پیش گرفته بودند و در برخی موارد، مانند ملی شدن نفت در ایران و مبارزات حقطلبانه در ونزوئلا و نظایر آن، به عقبنشینیهای ناچار گردیده بودند روش تهاجمی در پیش گرفتند و در مقیاس وسیعی به تسبیح حقوق ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد پرداختند. بویژه انحصارات نفتی عضو کارتل بینالمللی نفت (هفت خواهران)، مرکب از پنج شرکت نفتی عمده امریکائی، و شرکتی نفتی دروئال داج شل، و «بریتیش پترولیوم کمپانی» بنا تحویل قراردادهای امتیازی جدید نفت، انتقال مراکز پالایش نفت به کشورهای مسرفکننده، سدی در تبدیل کشورهای نفتخیز به صادرکننده نفت خام و بالاخره کاهش بی در پی قیمتهای نفت، یکی پس از دیگری ضریبات مسمی به منافع کشورهای نفتخیز وارد آوردند.

مثلا تنها در دو نوبت، در فاصلهسالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ انحصارات امپریالیستی نفت قیمتهای نفت را ۲۶ سنت در هر بشکه تقلیل دادند و از جمله قیمت خرید نفت ایران را، که قبلا از آن بشکههای ۲۰ دلار بود، ۱۹۷۸ دلار رسانیدند. خرید نفت به بشکههای ۲۰ دلار، خود یک قیمت فوقالعاده نازل یادآورکننده برای صاحب و غارت هر بشکه نفت مرکب از (۱۵۷ لیت) بود لذا کاهش دوگانه، حتی در چنین قیمتنازلی، طبیعی است که نمیتوانست با اعتراض شدید افکار عمومی در کشورهای نفتخیز و اقبال آنها به مقابله با این تجاوز و غارت مواجبه نگردد.

تحولات جهانی در فاصله سالهای پس از شکستنهضت ملی شدن نفت، یاردیکی زمینه مساعدی را برای تجدیدمبارزات ضدامپریالیسمملل علیهفارتدول و انحصاراتامپریالیستی فراهم آورده بود. ترمیم سریع خرابیهای جنگ در کشورهای سوسیالیستی و رونق چشمگیری شرفتحصالی آنان بطوریکه کشورهای سوسیالیستی در شان دهه ۱۹۶۰-۱۹۵۰ بهطایر کماکیای وسیع اقتصادی و قتی به کشورهای در حال رشد پرداختند - پیروزی انقلاب ناصری در مصر و سپس سقوط رژیم فیصل - توری سید با انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ - سرزهری عبدالکریم قاسم و بالاخره پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۳۳۹ و نظایر این تحولات شرایط مساعدی را جهت ابراز مخالفت از جانب کشورهای نفتخیز در حال رشد علیه غارت و سلطه انحصارات امپریالیستی نفت فراهم آورده بود.

تاسیس «اوپک» در ۱۳۳۹

بر چنین پایههایی بود که امکان گردهم آئی نمایندگان کشورهای نفتخیز و ضرورت مبارزهمشترک آنها علیه تحمیلات دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی به میان آمد. مینگر چنین گردهم آئی وزیر نفت ونزوئلا بود و اولین کنفرانس اوپک با شرکت اعضاء موسس: ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا در پاییز ۱۳۳۹ در بنداب برگزار شد. کنفرانس بنداب با تصویب اساسنامه سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» (نام اختصاری، مصرف حروف اول کلمات انگلیسی نام این سازمان است) پایهگذاری کرد.

بدینسان، برای اول بار در تاریخ سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر امپریالیستی نفت، که خود را یکهتاز بازار جهان نفت و تسلط بر کشورهای نفتخیز می دانستند، سازمانی مخالف میل و رای آنان با پرمعه وجود گذاشت.

از آغاز تشکیل «اوپک» تاکنون درست ۲۰ سال از عمر این سازمان میگذرد. در این عمر ۲۰ ساله، «اوپک» ضمن آنکه از سازمانی در ابتدا ضعیف و مرکب از پنج کشور، به سازمانی قوی و مستحکم از ۱۳ کشور نفتخیز در حال حاضر بدل شده، که بیش از هشتاد درصد ذخایر جهانی نفت در کشورهای سرمایه داری را در اختیار دارد و ۹۵ درصد صادرات نفت در جهان متعلق به آنست، بطور عمده چهار دورهمختلف مراحل رشد را در پشتسر گذاشته است.

مرحله اول فعالیت «اوپک»

مرحله اول فعالیت «اوپک» شامل سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۹ میگرد. در این دوره مبارزات «اوپک» جنبه دفاعی داشت. «اوپک» بطور عمده با کاهش قیمتهای نفت مخالفت

نفتخیز و عدم موفقیت «اوپک» در مبارزات خود بدل گردید. برای خروج «اوپک» از بحران، ضرورت داشت که تحول اساسی در وضع یکی از دو کشوری که عمدهترین ذخایر و تولیدات نفت را در اختیار داشته، صورت گیرد.

تأثیر شگرف پیروزی انقلاب ایران بر تحکیم موفقیت «اوپک»

پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی دمیمن ما ایران، نه فقط به سلطه جهانی امپریالیسم، سرکردگی امریکا، و رژیم دستنشانده آن بر ایران پایان داد، بلکه تغییرات عظیمی بسود استقرار تناسب جدید قوا بنفع همه نیروهای ضدامپریالیستی و آزادیبخش، از جمله بسود مبارزات کشورهای نفتخیز عضو «اوپک» ایجاد کرد. با پیروزی انقلاب ایران، «اوپک» وارد چهارمین دوره از فعالیت خود یعنی دورانی شده است که تناسب نیروها آشکارا به نفع پیروزی مبارزات ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد تغییر یافته و انبساط کامل سلطه امپریالیسم و کارتل بینالمللی نفت بر کشورهای نفتخیز در حال رشد، می تواند از قوه بطل درآید.

تأثیر تغییر تناسب نیروها بسود «اوپک» و بزبان امپریالیسم نفتی

امپریالیسم جهانی، سرکردگی امریکا، و انحصارات عمده عضو کارتل بینالمللی نفت (هفت خواهران)، که از نظر قدرت سومین نیرو، پس از امریکا و بازار مشترک اروپا را در جهان سرمایه داری تشکیل میدهند، بدین ترتیب تغییرات عظیمی که پیروزی انقلاب ایران در تناسب نیروها در سطح جهانی بوجود آورده، واقفند. آنها بدین ترتیب میدانند که یکی از این نتایج افول سلطه آنان بر کشورهای نفتخیز، از دست دادن امتیازات نفتی و کوتاه دست آنان از غارت و استثمار منابع و صنایع نفت کشورهای نفتخیز است. این چنین وضع طبیعی است که امپریالیسم را از لحاظ استراتژیک دروضع ضعیف قرار میدهد و به تزدیکی آن به محو و زوال سرعت میبخشد، که طبیعتا برای جهان غارت و استثمار قابل تحمل نیست و آن را به تلاشهای سبزه جاده و ماجراجویانه می کشاند.

جنگ تجاوزی صدام علیه ایران - ماجراجویی به زبان «اوپک»

براه انداختن جنگ صدام خائن علیه کشورما، یکراز همین تلاشهای «سبزه جاده» است که امپریالیسم، سرکردگی امریکا، و انحصارات عمده نفت، آن را به قصد سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی و در مبارزه کشورهای نفتخیز علیه خویشی برای افساد و هتک این جنگ تجاوزکارانه در عین حال متلاشی ساختن سازمان کشورهای صادرکننده نفت بود، که چه سوابق مبارزات آن و چه بیکار هائی که در آینده بر پایه تقویت بیشتر مواضع کشورهای نفتخیز براساس تثبیت پیروزیهای انقلاب ایران خواهدداشت، به سستی و اضمحلال هر بر تن امپریالیسم و کارتل بینالمللی نفت راست می کشد.

امپریالیستها و کارتل نفت دیگر تعیین کننده سرنوشت ملل کشورهای نفتخیز نیستند

ما هم اکنون شاهد آن هستیم که، نه فقط ماجراجویی امپریالیسم امریکا و انحصارات امپریالیستی نفت در تحریک صدام خائن به جنگ علیه کشور ما با تسکت کسابل و متشنعانه روبرو می شود، بلکه تلاش آنها به منظور افساد «اوپک» و متفرق ساختن کشورهای نفتخیز نیز با ناکامی مواجبه بوده است. کنفرانس کنونی «اوپک» در یالی (اندونزی) صرف این واقعیت است که امپریالیستها و انحصارات نفتی آنان دیگر تعیین کننده سرنوشت ملتها در کشورهای نفتخیز نیستند. اکنون جنبه مبارزات ضدامپریالیستی ملل، که از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا جنبش کارگری در کشورهای های سرمایه داری و جنبش آزادیبخش در کشورهای «چپان سوم» را دربر می گیرد، تعیین کننده سرنوشت مبارزات ملت ها است. در این شرایط ولو امپریالیستها و عمال آنها در کشورهای نفتخیز دست به اختلاهای دیگری بزنند، از هم اکنون میتوان گفت که جز ناکامی و شکست نتیجه دیگری برداشت نخواهند کرد.

«اوپک» در دهه سوم عمر خود موفق تر خواهد بود

«اوپک» در جریان ۲۰ سال گذشته عمر خود، با وجود مشکلات زیاد، متشاه پیروزیهای بزرگی برای ملل کشور های نفتخیز در حال رشد بوده است. در دهه سوم عمر خود این سازمان محققا خواهد توانست ملل کشورهای نفتخیز را در کسب پیروزیهای بسیار بیشتر یاری رساند.

حزب توده ایران، با آگاهی علمی به سرنوشت مبارزات ضدامپریالیستی، از ابتدای پیدایش «اوپک» از موجودیت و فعالیت این سازمان جانبداری کرده است. اکنون نیز که پیش بینی های حزب ما در مورد نقش مهم این سازمان به تحقق پیوسته، حزب ما همچنان مدافع مبارزات آن «اوپک» در راه رهایی کامل ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد از تسلط امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی خواهد بود.

امپریالیستی این کشور، مواضع کشورهای نفتخیز را بیش از پیش تقویت کرد. جنگ یاقرا نیز بزبان انحصارات نفتی و سرکرد قدرت در دست دولت مرکزی نیجریه پایان یافت، که بیست از پیش مواضع دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی را در کشورهای نفتخیز ضعیف کرد.

نتایج ماجراجویی جدید دول امپریالیستی بقصد تضعیف «اوپک»

در برابر پیروزیهای جدید «اوپک» و جنبش های وسیع ملی شدن نفت و لنو بی درمی قراردادهای امتیازی نفت در این دوران و آغاز رونق افزایش قیمت های نفت، دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به ماجراجویی جدیدی دست زدند. این بار آنان درصدد برآمدند که با دست اندازهای مجدد اسرائیل به اراضی کشورهای عربی در سوریه و اردن، تناسب قوا را بسود خود و بزبان جنبش ملی آزادیبخش یسودرکلی و کشورهای نفتخیز در حال رشد بالاخص تغییر دهند. لیکن جنگ ۱۳۵۲، نه فقط چنین تهاجمی را بیار نیارده، بلکه به افزایش چشمی قیمت های نفت از بشکه های نزدیک به ۴ دلار به ۱۲ دلار منجر گردید. متناسب با این افزایش، درآمد کشورهای نفتخیز از نفت به مقدار زیاد و غیر قابل مقایسه با قبل بالا رفت. از این گذشته کشورهای چسبندی و منجمله جمهوری عراق به ملی کردن صنایع نفت خود و طردش کهای عظیم امپریالیستی، نظیر عراق پترولیوم کمپانی اقدام کردند، که تناسب قوا را در خلیج فارس بسود کلیه کشورهای نفتخیز تغییر داد.

دوران سوم فعالیت «اوپک»

با این تحولات، دوران سوم فعالیت «اوپک»، آغاز شده که چون همزمان با بحران انرژی در جهان سرمایه داری بوده، کشورهای نفتخیز را درموقعیت بسیار مساعدی از نظر تامین منابع واقعی خود در نفت قرار می داد.

بدینسان مبارزات مشترک کشورهای نفتخیز در «اوپک» تا به این حد رسیده که مواضع و مهمی از نظر تامین منابع ملی این کشورها بیار آورد. در سومین مرحله از فعالیت «اوپک»، پس از افزایش چشمی قیمت های نفت در سال ۱۳۵۲، تا قبل از پیوستن انقلاب ایران در بهمن ۱۳۵۲، بر پایه پیروزیهای بدست آمده، کشورهای عضو «اوپک» قادر بودند که ضریبات جدی به مواضع امپریالیسم و انحصارات عمده نفتی وارد سازند، علاوه بر عمر امپریالیسم نفتی در این کشورها خاتمه دهند. لیکن وجود رژیمهای دستنشاندهای نظیر رژیم مصلحتی در کشور ما و رژیم عربستان سعودی مانع از استفاده از امکانات موجود بینالمللی و داخلی در کشورهای نفتخیز به منظور رهایی کامل از سلطه امپریالیسم گردید.

رژیم ننگین شاه و سومین دوره از فعالیت «اوپک»

تسلط رژیمهای دستنشانده نظیر رژیم ننگین شاه در ایران موجب شد که افزایش درآمدهای نفت بسود دول امپریالیستی و تعدید سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها بر این کشورها بیکار رود. در این دوران بود که بیست رژیمهای دستنشانده قراردادهای امتیازی کهنه با قراردادهای تازه ای، که تماما بسود امپریالیستها و انحصارات نفتی بود، عوض گردید. قرارداد متشنه بین شاه ملوم و کرسریموم بینالمللی نفت در ۹ مرداد ۱۳۵۲، بنام قرارداد «فروش نفت» چنین قراردادی بود. طبق این قرارداد، تمام ذخایر نفت ایران بدست ۲۰ سال به کرسریموم پیش فروش گردید و تحت عنوان ملی کردن «واقعی»، تنه ذخایر نفت ایران، به حراج دول امپریالیستی و غارتگران نفتی درآمد.

علل بحران «اوپک» در سومین دوره موجودیت آن

بدینسان در سومین دوره فعالیت خود، «اوپک» نظر به کارشکنی دول مرتجع دستنشانده در کشورهای نفتخیز، نظیر ایران و عربستان سعودی، علیرغم امکانات عظیمی که این سازمان برای غریبه وارد ساختن به مواضع امپریالیسم و انحصارات نفتی داشت، به کسب موفقیت متناسب با امکانات جدید نائل نیامد. در این دوره فعالیت خرابکارانه دول دست نشانده، علاوه فعالیت «اوپک» را وارد مرحله بحران و رکود ساخت. دول امپریالیستی، انحصارات نفتی، با استفاده از این وضع، توانستند اثرات افزایش قابل ملاحظه قیمت های نفت را خنثی کنند. آنها با تحمیل سیاستهای تجاوزی و ترومی به کشورهای نفتخیز، درآمدهای نفتی اکثر این کشورها را بسود خود تصاحب کردند.

رژیم شاه ملعون، اهرم عمده رکود در فعالیت «اوپک»

نمیتوان پنهان داشت که بویژه رژیم کودتائی شاملومون در ایران، در اواخر عمر ننگین خود، به اهرم عمده درحفظ مواضع دول امپریالیستی و انحصارات نفتی در کشورهای

می کرد و سعی در احیای برخی حقوق می نمود، که انحصارات نفتی در قراردادهای امتیازی آنها بسود خود و بضرر کشورهای های نفتخیز تسبیح کرده بودند. مثلا درحالی که در قراردادهای امتیازی مسرف به پنجاه، پنجاه، که قراردادننگین کرسریموم در ایران نمونه اصلی آن بود، ذکر شده بود که بهره مالکانه نفت یا پرداخت مشخص باید بدون احتساب در مالیات درآمد به کشورهای نفتخیز پرداخت شود، انحصارات نفتی این سهم را که به ۱۲٫۵ درصد قیمت نفت صادراتی بالغ می شد، از مالیات بر درآمد کشورهای نفتخیز کسر می گذاشتند. همچنین طبق این قراردادهای امتیازی، از کشورهای نفتخیز ۲ درصد بعنوان هزینه فروش نفت در بازار جهانی، بسود انحصارات کسر گذاشته می شد، حال آنکه این کشورها پس از خروج نفت از بندرهایشان، کمترین دخالتی در فروش نفت نداشتند.

قطعه نامه های کنفرانس چهارم «اوپک»

«اوپک» در چهارمین کنفرانس خود در سال ۱۳۴۹ موفق به گذراندن سه قطعه نامه مهم شد، که طبق یکی از قطعه نامه ها، افزایش قیمت های نفت به سطح قبل از کاهش ۱۳۳۸ طلب می گردد. در قطع نامه دوم، پرداخت قانونی بهره مالکانه، بدون احتساب در مالیات پرداخت، و در قطعه نامه سوم، لنو دریافت هزینه فروش از کشورهای نفتخیز طلب می گردید. در این اولین دور مبارزه بین «اوپک» و انحصارات نفتی، گرچه «اوپک» در زمینه بازگشت قیمت های نفت توفیقی حاصل نکرد، لیکن موفق شد که در زمینه پرداخت بهره مالکانه و لنو دریافت هزینه فروش، انحصارات نفتی را به عقبنشینی واکار کند.

کابینه خائن منصور و قطعه نامه های «اوپک»

جالب این بود که، در حالیکه دولت ایران از اجرای قطعه نامه یاد شده بسود فراوان می برد، معذالک کابینه حسنعلی منصور به خیانت علنی دراین کار تن درداد و برخلاف قطعه نامه های «اوپک»، کابینه منصور به انعقاد اولین قرارداد الحاقی با کرسریموم تن در داد، که زبان طبیعی از جانب آن متوجه منافع ایران می گردید. اعضاء دیگر «اوپک» استوعق به چنین خیانتی تن ندادند.

بزرگترین موفقیت «اوپک» در مرحله اول فعالیت آن

«اوپک» در دوران اولیه فعالیت خود در زمینه افزایش قیمت نفت، به کسب موفقیتی نائل نشد، اما پیدایش این سازمان باعث شد که از همان زمان تلاشهای مکرر انحصارات امپریالیستی نفت برای کاهش قیمتها با ناکامی روبرو شود و این خود موفقیت عظیمی برای دوران اولیه فعالیت «اوپک» بود. چنانکه خواهیم دید، در درازنهای بعدی، فعالیت «اوپک»، از عوامل مهم افزایش قیمت های نفت بوده که از کنفرانس تهران در سال ۱۳۴۹ آغاز شد و تاکنون رونق آن ادامه دارد.

دوره دوم فعالیت «اوپک»

دوره دوم فعالیت «اوپک» را سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ تشکیل میدهند. این دوران با اتخاذ رویه تهاجمی از جانب «اوپک» همراه بود. پس از آنکه اعضاء جدیدی از جمله قطر، اندونزی، الجزایر، لیبی و نیجریه در اواسط سالهای ۱۹۶۰-۲۰ به «اوپک» پیوستند، مواضع این سازمان قوی تر گردید. تحولات مترقی در اندونزی، پیروزی انقلاب در الجزایر، استقرار رژیم مترقی در سوریه در اواسط دهه ۱۹۶۰-۲۰ همسودائی بودند که مواضع انحصارات نفتی را یکی پس از دیگری در منطقه و جهان تضعیف می ساختند. امپریالیسم و انحصارات نفتی در برابر این وضع، بویژه آنکه جنبش عظیمی برای لنو قراردادهای امتیازی نفت و ملی کردن صنایع و لوله های عبور نفت آغاز شده بود، به توطئه جنگ اسرائیل علیه کشور های عربی پرداختند. لیکن نتیجه این جنگ، بجای آنکه کشورهای نفتخیز را از مبارزه بازادار ملل و دول کشورهای نفتخیز را به مبارزه جدی تری جهت کسب حقوق ملی درنفت سوق داد. پشتیبانی دول سوسیالیستی از این مبارزه و حمایت موثر و فعال از نهضت های انقلابی با در نظر گرفتن تقویت بیشتر مواضع این کشورها در صحنه جهان، شرایط مساعدتری برای مبارزات «اوپک» و پیروزیهای جدی تر آن بوجود آورد.

پیروزی های «اوپک» در دوران دوم فعالیت آن

بر همین اساس بود، که «اوپک» که در دوره دوم فعالیت خود علیرغم کارشکنی دول مرتجع در این سازمان، نظیر رژیم ننگین مصلحتی و دولت سعودی که توسط افرادی نظیر شیخ طریقی، روش آشکاری بسود انحصارات نفتی در پیش گرفته بود، توانست به پیروزیهای مهمی نائل آید. فراهم آوردن زمینه افزایش قیمت های نفت در کنفرانس تهران و سپس تریبولی (لیبی) را میتوان نتیجه مستقیم تشکیل کشور های نفتخیز در «اوپک» دانست، بویژه آنکه سقوط رژیم سلطنتی در لیبی در ۱۳۴۸ و استقرار رژیم ضدامپریالیستی در این کشور و همچنین لنو امتیاز نفت در پرو توسط دولت ضد

مبارز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی

پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی یک امر اساسی و انقلابی است. انقلاب مردمی، چنانکه نام آن پیداست، انقلابی است که به دنبال آن حاکمیت مردم (نه طبقه و نه قشر استعمارگر تازه‌ای) برقرار می‌گردد. انقلاب اگر مردمی نباشد، طغیان و یا قشر استعمارگر تازه‌ای که به حکومت می‌رسد، نیاز مبرمی به پاکسازی ریشه‌ای و بنیادی دستگاه دولتی سابق احساس نمی‌کند و می‌کوشد تا همان دستگاه را با پاره‌ای تغییرات کوچک و سطحی و جابه‌جا کردن مهرها و افراد به خدمت خود درآورد. دستگاه دولتی قدیم نیز به آسانی به فرمانبرداری از حاکمیت جدید تن در می‌دهد، زیرا در نقش آن علی‌الاصول تغییر کلی دیده نمی‌آید و همان وظیفه سابق خود را به خاطر استعمارگران و کارگزاران جدیدشان انجام می‌دهد.

اما در یک انقلاب مردمی، که انقلاب شکوهمند بهمن‌ماه ایران نیز از آن جمله است، حاکمیت مردم بدون ایجاد تحول ریشه‌ای در دستگاه دولتی نمی‌تواند تحقق یابد. پاکسازی دستگاه دولتی بایستی به این نیاز انقلاب پاسخ می‌دهد و از فردای انقلاب در سطح گسترده آغاز می‌شود. اما مقاومت لیبرال‌ها، یعنی هواداران نگاه‌داری نظام غارتگر سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی، که انقلاب را به معنای ادامه همان نظام اجتماعی - اقتصادی سابق منهای روستای شاهنشاهی آن می‌دانستند، پاکسازی را به تعویق انداخت. روش لیبرال‌ها از دشمنی آشکار تا پذیرش آن با ماهیت مردمی انقلاب سرچشمه می‌گرفت. حوادثی که بی‌دریغ روی داد (توقف حزب جمهوری خلق، سلمان، افشای چهره‌های خیانتکار به وسیله دانشجویان مسلمان بیرو خط‌امام، دسائیس ضد انقلاب در ارتش، خیانت‌های امیرانظام و نریه و مقدم مراغه‌ای و درباردار علوی و نظایرتان) ثابت کرد که جمهوری اسلامی ایران بدون پاکسازی دستگاه دولتی قادر به انجام تعهدات و وظایف خود در برابر مستضعفان نیست، لذا مسئله پاکسازی، علی‌رغم کارشکنی لیبرال‌ها، در دستور روز قرار گرفت. فرصت زیادی از دست رفته بود و بایستی جریان مافات با سرعت به عمل می‌آمد. در این اوضاع و احوال، پاکسازی بدون طرح و تدارک و پیش‌بینی‌های لازم آغاز شد، که ناگزیر با کمبودها و کاستی‌ها و حتی برخی از جنبه‌های زیان‌آور همراه بود. با وجود این، پاکسازی نقش مثبت خود را بخصوص در مورد نیروهای انقلابی ایفا کرد و از احتمال بروز توطئه‌ها تا حدود زیادی کاست. اینک خطری که از این رهگذر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند، تا حدود زیادی مرتفع شده و هنگام آن رسیده است که بر روند پاکسازی و نوسازی از دیدگاه اقداماتی که انجام گرفته و در آینده باید انجام بگیرد، نظری بیفکنیم.

پاکسازی و نوسازی دو مرحله جداگانه در روند واحد سازندگی دستگاه دولتی طبق نیازهای جامعه نوین انقلابی است.

نخست باید دستگاه دولتی سابق را از حالتی که بتواند ابزار بازگشت طبقات سرنگون شده قرار گیرد، بیرون آورد، و سپس با رطوبتی ساخته که بتواند به خدمت حاکمیت مردمی پس از انقلاب درآید. مهم‌ترین هدف در مرحله اول برکنار کردن عوامل رژیم سابق از راس پست‌های حساس دولتی و گماردن عناصر صادق به انقلاب به جای آنانست. پاکسازی در این مرحله بیشتر دارای جنبه سیاسی است و تمام قشر مأموران عالی‌رتبه کشوری و لشکری و دیگر وابستگان به رژیم سابق را در بر می‌گیرد.

هدف انقلاب در مرحله دوم ایجاد تغییرات در ساخت و سیستم دستگاه دولتی است، به نحوی که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه نوین باشد. جامعه نوینی که زاینده یک انقلاب مردمی است، به دستگاه عریض و طویلی که طبقات حاکم گذشته برای استعمار و سرکوب توده‌ها بوجود آورده بودند، نیازی ندارد. حکومتی که به دنبال یک انقلاب مردمی روی کار می‌آید، می‌کوشد تا، دستگاه دولتی را از حالت مدافع منافع طبقات استعمارگر و مصرف‌کننده اصلی بودجه دولتی خارج سازد، و پولی را که زحمتکشان از دسترنج خود به آن می‌پردازند، برای تأمین رفاه مادی و هنوی آنان به مصرف برساند. این حکومت نمی‌تواند به اقتضای طبیعی وابسته به طبقات حاکم، که به عنوان چشم و گوش و دست رژیم در دستگاه دولتی قدیم حاضر و ناظر بودند و بدون انجام هیچ کار لازم و مثبتی حقوق‌های گراف می‌گرفتند، باقی بماند.

بدین‌سان پاکسازی دستگاه دولتی اقدام ناگزیری است که پس از هر انقلاب مردمی برای ریشه‌کن ساختن نظام گذشته و سازندگی نظام آینده باید انجام گیرد. بسیار مهم است که در این اقدام، ضابطه

اصلی رعایت منافع جامعه نوین و خواست‌های پیشرفت و ترقی کشور به‌طور کلی باشد، نه نظرات و خصوصیات فردی و گروهی، که ناچار به حق‌گویی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و عواقب اجتماعی و سیاسی سو دیگر منجر خواهد شد. پاکسازی باید منحصرأ شامل وابستگان به رژیم گذشته و دشمنان انقلاب مردمی باشد.

ضوابط این وابستگی کدام است؟ چه چیز نشانه وابستگی به رژیم گذشته است؟

به عقیده ما این وابستگی را قبل از هر چیز باید برحسب همان معیارهای زمان گذشته سنجید. رژیم شاه ملعون تنها پیرو آزادی‌های وفاداری بی‌چون و چرای افراد، آنان را در راس مقامات حساس دولتی می‌گمارد. بدون تصویب ساواک هیچ‌کس نمی‌توانست در سلسله مراتب اداری از پله منتهی پافراتر نهد. کسانی که از این پله پافراتر نهاده‌اند، وابستگان رژیمند، یعنی سرنوشت‌شان با سرنوشت رژیم گره خورده است.

از سوی دیگر، ادارات و سازمان‌هایی بودند که تمام کارکنان آنها را وابستگان به رژیم سابق تشکیل می‌دادند. برای مثال می‌توان از ساواک نام برد، که کارکنان آن را باید یکسره دراعتماد وابستگان به رژیم سابق محسوب داشت، برخی دیگر از ادارات و موسسات کشوری و لشکری رژیم شاه ملعون نیز کمابیش مانند ساواک منحصرأ اعضای خود را از میان سرسپردگان به رژیم انتخاب می‌کردند. در این‌گونه موارد، خود اداره یا موسسه باید مورد پاکسازی قرار گیرد، و با به عبارت دیگر، منحل گردد.

علاوه بر این تقریباً همه وابستگان به رژیم سابق با سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی خویش، صاحب ثروت‌های عظیم و مرتکب جنایات بی‌شمار شده‌اند. اینان علاوه بر پاکسازی، باید به دلیل جرائمشان به شدت مجازات گردند. در روزهای اوج جنبش قبل از پیروزی - خواست مردم برای پیگرد و مجازات آیین‌گروه آن‌قدر زیاد دامنه‌دار بود که حتی شاپور بختیار نیز در آخرین روزهای حکومتش، برای فریب مردم وعده آن را می‌داد.

تلاش برای "جذب" وابستگان رژیم سابق به انقلاب کوشش عبثی است. چنانکه امیدواری به تجدید تربیت آنان نیز، در عین حال انتساب وابستگی به کارمندان دولتی، در خارج از ضوابط سیاسی، مثلاً برحسب میزان حقوق و مزایا و نظایر آن و سلب حیثیت سیاسی از افراد بدون دلیل موجه، گاهی تابخوشدنی است که در یک نظام انقلابی هرگز جایز نیست.

نباید این‌طور تصور کرد که پاکسازی دستگاه دولتی تنها با بریدن دست این طفیلی‌ها از مشاغل حساس پایان خواهد یافت. نمی‌توان امیدوار بود که با برداشتن سر هرم، که کار نسبتاً آسانی است، انقلاب بتواند بدنه آن را بدون هیچ تغییری به خدمت حاکمیت نوین درآورد. پاکسازی این بدنه باید موازی با نوسازی آن انجام گیرد.

نوسازی دستگاه دولتی کاری به مراتب دشوارتر از پاکسازی آن است

نوسازی، روند پیچیده ایجاد سازمان‌ها و نهادهای نوین دولتی و تربیت مجدد کارمندان دولتی است، به نحوی که بتوانند خدمتگزار حاکمیت نوین انقلابی باشند. هدف نوسازی ایجاد یک دستگاه دولتی کارا، با حداقل هزینه ممکن است. نخست باید طرح این نوسازی را با دقت و مطالعه کامل تدوین کرد، و چون پایه این طرح کاهش هزینه و کارایی دستگاه دولتی است، ناگزیر در این مرحله نیز عده‌ای از کارمندان سابق باید از کار کنار گذاشته شوند. بین این دسته از کارمندان، که به دلیل مقتضیات اداری از کار برکنار می‌شوند، و کسانی که در مرحله اول به علل سیاسی پاکسازی می‌شوند، فزونی اصولی وجود دارد. برخورد با آنان نیز باید برخوردی به‌کلی متفاوت باشد. مسئله عمده در این مرحله طرز برخورد با متخصصان است.

با متخصصان چه باید کرد؟

بدون یافتن پاسخ صحیح به این سؤال، نه کاهش هزینه دستگاه دولتی و نه کارایی آن را میتوان تأمین کرد. کاری که یک متخصص (مثلاً متخصص کامپیوتر) می‌تواند انجام دهد، با کار ده نفر غیر متخصص برابر است. همچنین در تمام موارد دیگر، دستگاه دولتی را بدون

متخصص نمی‌توان اداره کرد. بنابراین نباید دستگاه دولتی را به هیچ عنوان از متخصصان برحسب محروم ساخت. اما این تنها یک طرف قضیه است. طرف دیگر آن این است که: اولاً هر متخصصی را نمی‌توان در دستگاه دولتی جدید به‌کار گذاشت، و ثانیاً هر متخصصی حاضر نیست با دولت انقلابی جدید (اگر خصلت مردمی داشته باشد) همکاری کند. علت این امر قبل از هر چیز آن است که، تخصص و علم در نظام پیشین (و در مورد ما، در نظام طاغوت) در انحصار طبقاتی است که از انقلاب ضریب خورده‌اند. البته هستند کسانی که از میان طبقات پایین و متوسط بیرون آمده‌اند و با خون دل و محرومیت‌های طاقست‌فرسا توانسته‌اند دانشمند یا متخصص شوند. اما بحث ما در باره توده متخصصان است، نه استثنائات، و توده متخصصان در یک نظام استوار از میان طبقات درآم‌برون می‌آیند و یا اگر از طبقات پایین هم بیرون آمده باشند، سپس معمولاً از نظر دید اجتماعی و سیاسی، در موضع طبقات حاکم قرار می‌گیرند. به این دلیل، پس از آن‌که یک انقلاب مردمی پیروز شد، تنها بخشی ناچیز از متخصصان، دانشمندان و بطور کلی روشنفکران نظام گذشته حاضرند با نظام جدید صادقانه همکاری کنند. اکثریت قاطع آنان یا روبروی انقلاب قرار می‌گیرند و یا بی‌تفاوت‌اند و با احتیاط به نظام نوین نزدیک می‌شوند.

حکومتی که به دنبال یک انقلاب مردمی روی کار می‌آید، باید بتواند با یک برخورد منطقی و کارتوضیحی مستمر و باشیوه‌اقتاع، آن گروه از متخصصان و روشنفکرانی را که خصومت بیگانه با انقلاب نشان نمی‌دهند (هرچند بی‌تفاوت و یا ناراضی هستند) به‌سوی خود جلب کند، و در عین حال مملکت را با متخصصان را، برحسب برخورد آنان با کار و وظایفشان، تعیین کند. استفاده از متخصصان سازمانده از نظام سابق باید موازی با تربیت متخصصان جدید از میان خلق انجام گیرد، و تا زمانی که نظام نوین نتوانست از متخصصان و روشنفکران وفادار به انقلاب را از بین توده‌های مردم تربیت کند، استفاده از متخصصان سابق یک ضرورت ناگزیر اجتماعی است. بیرون آوردن متخصصان و روشنفکران سابق از ذخیره ضد انقلاب و در آوردن آنها به خدمت انقلاب، یکی از مهم‌ترین وظایف تبلیغاتی حاکمیت نوین انقلابی است.

گاهی در مسئله استفاده از متخصصان یک بحث تجربی به‌میان آورده می‌شود که در این مورد چه چیز را باید مقدم شمرد: ایمان را یا تخصص را؟ به عقیده ما، یک حکومت انقلابی مسئله ایمان و تخصص را باید در حال حرکت و بهمان صورت یک روند پویا مطرح و حل کند، یعنی ایمان را به تخصص و تخصص را به ایمان پیوند دهد، زیرا هیچ‌یک از این دو بدون دیگری نه تنها مفید نیست بلکه در اغلب موارد زیان‌بخش است. حکومت انقلابی از آن‌کس که ادعا می‌کند به انقلاب ایمان دارد، باید بخواهد که تخصص شود. آن کس که در کسب تخصص در شغلی که به او محول شده است، کوششی از خود نشان نمی‌دهد، باید در ایمان او و یا استعداد و شعور او نیز تردید کرد. چنین ایمانی از حد شعاربالا نمی‌رود. تاریخ انقلابات مردمی در سایر کشورها گواهی می‌دهد که انقلابیون با ایمان (صدها و هزارها) تمام‌دوره تحصیلات تخصصی خود را ضمن انجام وظایف دولتی خودشان انجام داده‌اند. این تاریخ همچنین گواهی می‌دهد که انقلابیون با ایمان توانسته‌اند هزاران متخصص سازمانده از رژیم سابق را به‌صحت خط‌مشی و سیاست خود متقاعد سازند و از آنان متخصصان با ایمانی بوجود بیاورند. انقلاب اگر در مسیر مردمی خود ادامه دهد، اقتضای روشنفکران و متخصصان سازمانده از نظام سابق کار زیاد دشواری نیست. تردیدی نیست که بخش معینی از روشنفکران و متخصصان، بخصوص کسانی که در رژیم گذشته از مزایای بی‌پایان‌اندازه استحقاق خود برخوردار بودند، هرگز با انقلاب آشتی نخواهند کرد و ترجیح می‌دهند که

چه باید کرد؟

به عقیده ما، در فکر مهمی چون نوسازی دستگاه دولتی، باید منافع جامعه مقدم بر منافع فرد در نظر گرفته شود، به عبارت دیگر، افراد طبق نیازهای سازمانی در دستگاه دولتی نگاه داشته شوند نه برای ارتزاق، زیرا با برکنار کردن افراد زائد بر نیازهای سازمانی و تقلیل هزینه دستگاه دولتی می‌توان اعتبارات بودجه دولتی را برای سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی، ایجاد کار و بالا بردن سطح زندگی توده‌های مردم به‌کار برد. اما در عین حال یک جامعه انقلابی نمی‌تواند ده‌ها هزار جوان بی‌ویش - چهل ساله (و اغلب تحصیل‌کرده) را به بیگاری و با مفتخوری که چند هزار تومان حقوق بازنشستگی (یا ملغی بازنشستگی) می‌گیرند و برسه می‌زنند، تبدیل کند. باید این اشخاص را به کار مفید اجتماعی جلب کرد. باید شرایطی بوجود آورد که آنان بتوانند، برخلاف گذشته، یا کار مفید به‌خیر جامعه، در عین حال زندگی بهتری نیز برای خود تهیه کنند. باید به این‌گونه کارمندان تخصصی‌های تازه آموخت و آنها را در رشته‌های تولیدی بکار گذاشت. آیت‌الله منتظری، در همان خطبه خودشان به این جنبه مسئله نیز توجه کرده و به‌درستی گفته‌اند:

"تصفیه ادارات کار حسابی است... اما شما که تصفیه می‌کنید، حساب این را کرده‌اید که... باید برای اینها کار هم درست کرد؟ همین‌طور که آن‌ها را بیرون بکنیم، کار درست نمی‌شود. بایستی کارهای کشاورزی، دامداری، یا در کارخانه‌ها، در جاهای

بر خورد ارگانهای انقلابی با متخصصان و روشنفکران چگونه باید باشد؟

آنچه حکومت انقلابی از روشنفکران و متخصصان، که وابستگی مستقیم به رژیم گذشته نداشته‌اند، باید بخواهد و آن را ملاک و ضابطه برخورد خود با آنان قرار دهد، انجام شرافتمندانه وظایف محوله به‌آنان است نه طرز فکر و عقیده آنان که جز یک اقلیت کوچک، نمی‌تواند مهر و نشان رژیم گذشته را بخورد داشته باشد. این وظیفه حاکمیت نوین انقلابی است که در اثر کوشش مستمر توضیحی و تبلیغاتی خود و نشان دادن حداکثر صبر، حوصله و خودداری از توسل به شیوه‌های قهرآمیز، عدم موافقت و حتی مخالفت روشنفکران و متخصصان سازمانده از رژیم گذشته را به موافقت با نظام نوین انقلابی و پشتیبانی از آن تبدیل کند. آن متخصص (فردی که نمی‌کند در چه رشته‌ای، از جمله آموزش و پرورش) که با نظام نوین انقلابی مخالفت می‌کند (هرچند موافق هم نیست) و وظایف خود را شرافتمندانه انجام می‌دهد، عنصر مفیدی است که از او، تا زمانی که انقلاب نتوانست از روشنفکران موافق خود را تربیت کند، باید استفاده کرد، زیرا در غیر این صورت به گفته آیت‌الله منتظری: "ولو آدم خوش جنسی هم باشد، ضدانقلاب از وجودش سوءاستفاده می‌کند." (از سخنان آیت‌الله منتظری درباره تصفیه‌شدگان در نماز جمعه قم، نقل از روزنامه‌ها، اول شهریور ۵۹).

برخورد صحیح با متخصصان و روشنفکران در نوسازی دستگاه دولتی، با تمام اهمیت و طرافت آن، کار چندان دشواری نیست. دشواری کار در نوسازی دستگاه دولتی، هنگامی که تمام ابعاد آن ظاهر می‌شود که بخواهیم هدف اصلی را، که ایجاد یک دستگاه کارایی دولتی با حداقل هزینه ممکن است، پیاده‌کنیم. برای تحقق این هدف چه سازمان‌هایی را باید منحل کرد؟ چه سازمان‌های تازه‌ای باید بوجود آورد؟ چه کسی یا چه‌کسانی را باید در این سازمان‌ها بکار گذاشت؟ با بقیه کارمندان زائد چه باید کرد؟

دستگاه دولتی ایران ده‌ها هزار کارمند وجود دارد که کار مفید روزانه آنها بطور متوسط از دو ساعت بیشتر نیست. آیا باید آنان را برای این که "نان بخورند" در دستگاه دولتی نگاه داشت؟ آیا باز خرید و یا بازنشتست کردن کارمندی جوانی که هنوز شش به چهل - چهل و پنج سال نرسیده و "خانه‌نشین" کردن او راه درست و منطقی حل این مسئله است؟ آیا این تصمیم بیشتر شبیه به تصمیم نابخردانه نیست که در دریای طوفانی بارهای گران‌قیمت خود را به دریا می‌ریزد، به امید آن‌که خود کشتی را نجات دهد؟

دو مرحله در سازندگی دستگاه دولتی

از آن‌چه گفتیم نتیجه می‌گیریم که: سازندگی دستگاه دولتی پس از یک انقلاب مردمی از دو مرحله مشخص می‌گذرد:

- ۱- پاکسازی
- ۲- نوسازی

هردوی این مراحل باید با توجه به اولویت منافع جامعه، در عین رعایت حقوق فرد با قاطعیت و عدالت انجام گیرد. قاطعیت در جهت حفظ منافع اجتماعی و عدالت در جهت رعایت حقوق فردی، باید با قاطعیت وابستگان به رژیم سابق را پاکسازی کرد، در عین حال نمی‌توان به هرکس بدون رعایت عدالت برحسب وابستگی زد. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که کاری بدین مهمی را نمی‌توان بدون ضابطه، قانون و مقررات انجام داد و اگر سلیقه‌های شخصی و گروهی در این مورد ملاک قضاوت قرار گیرد، چنان که در برخی از موارد قرار گرفته است، چه عواقب وخیمی می‌تواند به‌بار بیاورد، که کم‌ترین آن، به گفته آیت‌الله منتظری، "سوءاستفاده انقلاب از وجود تصفیه‌شدگان است."

در مرحله نوسازی دستگاه دولتی نیز باید با همین قاطعیت و عدالت عمل کرد. نمی‌توان به صرف این فکر که مردم باید "نان بخورند"، کار عظیم کاهش هزینه دستگاه دولتی را، که در سرنوشت تمام جامعه نقش مهمی دارد، عقیم گذاشت، در عین حال در مرحله نوسازی دستگاه دولتی نیز باید به همین قاطعیت و عدالت عمل کرد. حساب این را کرده‌اید که... باید برای اینها کار هم درست کرد؟ همین‌طور که آن‌ها را بیرون بکنیم، کار درست نمی‌شود. بایستی کارهای کشاورزی، دامداری، یا در کارخانه‌ها، در جاهای

دیگر، خلاصه دولت یک کاری بکنند که اینها جذب بازار کار شوند... پس تصفیه باید در مقابلش بازار کاری هم باشد... البته تصفیه باید باشد، اما این هم باید بدنبالش باشد که یک کاری در اختیار آن‌ها بگذارند...

جامعه انقلابی نه تنها به دلایل اجتماعی و اقتصادی، بلکه همچنین به دلایل سیاسی نمی‌تواند این فوج بیگاران را تحمل کند. ده‌ها هزار جوانی که صبح تا شب بیکار باشند و از محیط نیز غالباً دل‌پری داشته باشند، بهترین ناقلان جراثیمه ضد انقلابند. البته تربیت و تبدیل کردن کارمندان سابق دولت به انسان‌های زحمتکشی که به‌قدر تیره کارشان از جامعه توقع داشته‌باشند، کار آسانی نیست. اما جامعه انقلابی جز این راه دیگری ندارد. باید این روند دشوار را با پیگیری دنبال کرد.

یک نظام مردمی در عین حال که منافع جامعه را بر منافع فرد مقدم می‌شمارد، هرگز فرد را نیز در حل دشواری‌های زندگی‌اش تنها نمی‌گذارد. این سرشت جوامع منطبق بر سرمایه‌داری است که حکومت‌هایشان در تأمین کار و آسایش افراد جامعه مسئولیتی برای خویش قائل نیستند. حکومتی که زاینده یک انقلاب مردمی است، این مسئولیت خویش را هرگز فراموش نمی‌کند. می‌توان مصالح عظیمی را که از کاهش هزینه دستگاه دولتی به‌دست می‌آید، در ایجاد موسسات تولیدی و تعاونی و گسترش خدمات به‌کار انداخت و کارمندان زائد دولتی را پس از آموختن تخصصی‌های تازه در دوره‌های کوتاه‌مدت (ضمن اشتغال به‌کار و در صورت آموختن تخصصی‌های پیچیده‌تر با پرداخت حقوق طی مدت تحصیل) در آرتز‌شما به‌کار گمارد. بخش دولتی و تعاونی تدارک و توزیع کالاهای ضروری یکی از مهم‌ترین میدان‌ها برای جلب این نیروهاست.

نوآوری دستگاه دولتی پس از یک انقلاب مردمی از نوآوری کل جامعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جدا نیست. در یک دولت مردمی جای برای بیگاری و بیگاری نیست. بداندان که مفتخوری و مفتخواری نیز نمی‌تواند وجود داشته باشند. در جامعه‌های زاینده انقلاب مردمی است، با زوها و مزه‌ها نابرابری برود. به‌اندازه استعدادها نباید به‌مدر برود. کارمندان زائد دستگاه دولتی نیز از این حکم مستثنی نیستند. اگر در دستگاه دولتی برایشان کاری وجود ندارد، باید در رشته‌های دیگر وجود داشته باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق "اشتغال به‌کار" را برای تمام مردم ایران تضمین کرده‌است. در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم: "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

این جا و آنجا، بسته گریخته، عناصر مشکوکی در میان کارگران شایع می کنند که باید اعتصاب کرد، دست بهم کاری زد و با تحریک و تخریب، به اصطلاح حقوق قانونی را تامین نمود. زمینه این شایعات را البته گرفتاری - هایی تشکیل می دهد که به صورت بیکاری، کاهش حقوق و مزایا، همراه با گرانی، قرار گرفتن کارخانهها در برابر خطر تعطیل به مناسبت کمبود مواد خام، نرسیدن به موقع دستمزدها و حقوق و نظایر آن دامن کارگران را گرفته و زندگی را بر آن ها سخت و دشوار ساخته است.

هشیاری کارگران

کارگران و همه زحمتکشان در تمام کارخانه ها و کارگاهها، با آگاهی که به عمق و ریشه پیدایش سختی های کنونی دارند و می دانند که این مشکلات زائیده توطئه های پستی درسی امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، البته به شایعات و تحریک دشمنان واقعی نمی گذارند. کارگران و زحمتکشان به درستی، با نهایت صبر و بردباری، نه فقط مشکلات ناشی از توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب را در زمینهای سختی شرایط کار و معیشت خود تحمل میکنند، بلکه با کار بیشتر در محیط کارخانه و کارگاه، با تولید زیادتیر و ارائه خدمات همه جانبه تر سعی در تقویت مواضع انقلاب، چه در جنبه جنگ و چه در پشت جبهه، دارند.

شیوه های آشوبگری ضد انقلابیون

با این حال شایعه سازان و ضدانقلابیون بیکار ننشسته اند و سلاح تحریک و ایجاد توطئه علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را زمین نمی گذارند. اینان با احادتها فریبی در کارخانه ها و کارگاهها، با نیرداختن به موقع دستمزدها و حقوق و یا عدم تشریح علل دیرکرد پرداخت آن، با اخراج های غیر موجه و یا به کارگردن عوامل مشکوک در کارخانه ها و کارگاهها، با جبهه گیری به سود سرمایه داران بزرگ و مخالفت با ملی شدن ها و تخریب در امر تولید و نظایر آن، ابتدا کارگران را عصبانی می کنند و سپس کارگران را به اعتصاب و بولوا و آشوب راهت می شوند، تا نیت ضد انقلابی خود را بر آورده سازند. مثلا در حال حاضر شایع است که کارگران دخانیات، کارکنان شرکت واحد، کارخانه پارس آمریکا و یا کاناداری و برخی کارگاههای نظیر به اعتصاب کشانده شده و با می شوند. وقتی علل این اعتصابات و یا تدارک آنرا بررسی می کنیم، مشاهده می کنیم که در اینجا و قطعا در جاهای دیگر، عوامل آشوب گرونده انقلابی هستند که می خواهند با طرح مشکلاتی که کارگران با آن روبرو هستند، نه برای حل این مشکلات، بلکه به منظور ایجاد آشوب و به سود مقاصد حیاسی ضد انقلاب از این مشکلات بهره برداری کنند.

کارگران آگاه هشدار می دهند

خوشبختانه در واحدهای بزرگ تولیدی و

ثانیا، "همچنین مسئولین امور باید متوجه باشند که بیش از پیش در فکر بر آوردن خواسته های قانونی و مشروع کارکنان این کارخانه باشند. و بهانه به دست عناصر ضد انقلاب و توطئه گر ندهند."

بر خورد درست کارگران و کارمندان آگاه دخانیات

تردید نیست که باید با توصیه کارگران و کارمندان آگاه دخانیات، چه به همکاران خود و چه به مسئولین امور، موافقت کامل داشت. فی الواقع هم کلید حل مشکلات گوناگونی که به علل مختلف، به ویژه بر اثر توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب بر آورده آن، و در مواردی هم ندانم کاری مسئولین امور، گریبانگیر کارگران و کارمندان بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی گردیده، به طور عمده همان دو روشی است که کارکنان مبارز دخانیات به درستی به آن اشاره کرده اند: از یک طرف کارگران و کارمندان باید صبر و شکیبایی به خرج دهند و تقاضاهای حقوقی

های کارگری را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت. کارگران و زحمتکشان خود بلاگماهی کامل با چنین تحریکاتی مبارزه می کنند. دولت انقلاب و مسئولین نیز باید با حسن نیت و کوشش واقعی برای حل مشکلات به مسائل کارگران و کارکنان در کارخانه ها و کارگاهها برخورد کنند. تنها با این روش می توان در جهتی که به سود انقلاب و تقویت مابنی جمهوری اسلامی است، به حل مسائل اجتماعی، که مسائل کارگران و کارمندان، از اهم آنهاست، نائل آمد.

ضرورت تشکل سندیکائی و شورائی

در خاتمه نمی توان از تکرار تذکر و تائید طرح کاملا درست ضرورت تشکل سندیکائی و شورائی کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و کارگاهها از جانب کارکنان مبارز دخانیات، در هشدار باش آنها، صرف نظر کرد. کارکنان مبارز دخانیات در بیانیه خود، به همکاران خویش، اعم از کارگر و کارمند، به درستی چنین توصیه می کنند: "شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به ما حکم می کند که با تشکل سندیکائی و شورائی تقاضاهایمان را از طریق نهادهای قانونی و انقلابی با مقامات مسئول در میان گذاریم. این تشکل به ما امکان می دهد که در تصمیم گیری های خود مصالح انقلاب و جمیع کارکنان را در نظر داشته باشیم. همچنین تشکل سندیکائی و شورائی، مانع از نفوذ عناصر ضد انقلاب و ماجراجو در اخذ تصمیمات و اجرای آنها می گردد."

مسئله تا طبقه کارگر و زحمتکشان متوجه اهمیت این توصیه ها هستند و برای تحقق تشکل سندیکائی و شورائی خود، که یک ضرورت قطعی در مرحله کنونی انقلاب بزرگ مردم ایران است سعی و مجاهدت به عمل می آورند، این سعی و مجاهدت ارزنده است، اما کافی نیست. ضرور است که ارگان های انقلابی، بویژه وزارت کار و امور اجتماعی نیز عمیقاً به اهمیت تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان واقف باشند.

آزادی تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان موجب می گردد که تشکل پنج میلیون کارگر و زحمتکش بتواند انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی قرار گیرد. این تشکل قادر است انقلاب را از توطئه های گوناگون امپریالیسم تجاوزگر آمریکا و عوامل وابسته داخلی آن از هر قماش منضم دارد. باید راه چنین تشکلی را از نظر قانونی و همچنین حمایت دولت انقلابی از آن، از هر جهت هموار کرد.

با چنین مفاهیمی از جانب دولت و ارگان های انقلابی نسبت به تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان مسلما پیروزی قطعی و نهایی انقلاب تامین خواهد بود، زیرا دست توانای تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان قادر است هر مانعی را از سر راه انقلاب بردارد و بویژه ضد انقلاب داخلی و حامیان امپریالیستی آن را به خاک بکشد.

قانونی خود را به نحوی مطرح سازند که ضد انقلاب نتواند از آن به نفع خود بهره برداری کند، و از جانب دیگر، مسئولین امور ارگان های انقلابی باید برای بر آوردن خواست های مشروع کارکنان سر بهما اقدام کنند و به منظور رفع علل نابسامانی ها و طرد عوامل ضد انقلاب و توطئه گر، که با دامن زدن به گرانی، بیکاری، تعطیل کارخانه ها و اخراج در امر تولید و خدمات، کارگران و کارمندان را به ستوه می آورند، تدابیر لازم اتخاذ کنند و به اجرا بگذارند.

وظایف مسئولین امور

توجه دقیق و سریع به حل مسائل در کارخانه ها و کارگاهها، به طریقه ای که در همین هشدار کارکنان مبارز و انقلابی دخانیات به آن اشاره شده، و در پیش گرفتن راه های اصولی و اساسی دیگر، متناسب با وضع هر کارخانه و کارگاه چه از جانب کارگران و کارکنان و چه از جانب مسئولین امور، میتواند نه فقط انقلاب و کشور را از خطر حرکات نسنجیده اعتصابی منضم دارد، بلکه محققا قادر است تا حدود زیادی به حل مشکلات کمک کند. خطر به اعتصاب کشاندن و تحریک در محیط

به خیال خود، مردم انقلابی کشور را نسبت به انقلاب و دفاع از میهن انقلابی مایوس گردانند."

با چنین توضیح و برداشت صحیح از حوادثی که در سطح کشور می گذرد، و انعکاس آن نیز در دخانیات دیده می شود، کارگران و کارمندان آگاه این موسسه به درستی به همه همکاران خود هشدار می دهند که وظیفه آنان در لحظه کنونی افتادن در دام تحریک کنندگان نیست، بلکه این است که "پوزمشیطان بزرگ را در این جنبه نیز به خاک بمالند و مانع از توقف تولید مایحتاج عمومی مردم شوند. در همان حال که ابراز چنین بیداری و آگاهی نسبت به وظایف انقلابی خود از جانب کارگران و کارمندان دخانیات، شایان تقدیر است، این توصیه آنان نیز به همکاران و مسئولین امور جالب دقت و توجه است که، اول خطاب به همکاران خود می نویسند: "درست است که مطالبات ما مشروع و قانونی است، اما باید هشدار باشیم که تقاضاهای خود را به نحوی مطرح سازیم که ضد انقلاب نتواند دریا بیم که با تولید دخانیات، بخشی مهمی از تقاضای جامعه را بر آورده می سازیم و اقداماتی از قبیل خواباندن چرخ های کارخانه و مانعیت از خروج تولید آن، جز به نفع شیطان بزرگ و به ضرر انقلاب نیست."

کارگران اخراجی کمپوت سازی های مشهد باید به سرگارب گردند

یکی پس از دیگری در شرایط حساس کنونی، که میهن انقلابی ما درگیر جنگ با آمریکا و تجاوزی های عراق است، در زمانی که کشور ما در محاصره اقتصادی امپریالیست ها قرار دارد، هنگامی که ما احتیاج به تولید بیشتر و نظم انقلابی در امر تولید داریم، با کمال تأسف و حیرت و کارخانه های کمپوت و کسرو سازی مشهد، دست به اخراج کارگران خود زده اند، به این بهانه که قوطی ندارند و نمیتوانند مثل سابق به کار ادامه دهند. تاکنون در چند کارخانه، از جمله کارخانه های سوغات جدید، نوبرانه، قدس و چندین کارخانه دیگر، کارفرمایان دست به اخراج بیشتر کارگران زده اند.

اخراج کارگران به علت تعطیل کارخانه ها نیست، چون تا حال هیچ یک تعطیل نشده اند، بلکه به این علت است که کارفرمایان می خواهند حداکثر کار را از حداقل تعداد کارگران بکشند. کارگران می گویند: اگر این کارخانه ها قوطی ندارند، چرا دائما کار می کنند؟ از طرف دیگر چندی پیش تعداد ده میلیون قوطی

نمایشگاه ضد امپریالیستی در سمنان



از طرف هواداران حزب توده ایران در سمنان، نمایشگاهی از جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر صدام در دو نقطه این شهر ترتیب یافت. این نمایشگاه، که از روز ۵ تا ۱۱ آذرماه ادامه داشت، مورد استقبال مردم سمنان قرار گرفت.

کمک کارگران میادین بارفروش تهران و حومه به جبهه جنگ

کرتیم برای پیش برد اقتصاد مملکت در این موقعیت خطر جنگ احتمالی امپریالیسم آمریکا و نوکر سرسیده او صدام حسین کافر، که به ما تحمیل شده، ما کارگران میادین هم از استراحت ۲ ساعته قانونی بعد از ظهر خود صرف نظر نموده اضافه کار می نماییم، بدون دستمزدها، که عملا ما هم سهمی در این جنگ احتمالی داشته باشیم. تا پایان جنگ پشتیبانی خود را از انقلاب اسلامی ایران تا آخرین نفس اعلام می داریم."

سندیکای کارگران میادین بارفروش تهران و حومه طی اطلاعیه ای می نویسد: "ما کارگران میادین بارفروش تهران و حومه، طبق فرمان رهبر کبیر و بنیان گذار انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تصمیم قاطع

روستای نوازن: ما نه تنها با صدام، بلکه با امریکا در جنگیم

باتکیه بر نیروی پر توان روستائیان زحمتکش قانون اصلاحات ارضی را اجرا کنید!

روستای اشتویه، یکی از روستاهای بخش ظفرود است و در شهرستان قم قرار دارد. اهالی به کشاورزی و دامداری می پردازند.

در روستای اشتویه یک دستگاه قالی بافی وجود دارد. کشاورزان اشتویه بصورت کارگر در اراضی مالکان بزرگ کار می کنند. بزرگ مالکان اشتویه در روستای دولت آباد نیز دارای اراضی وسیعی هستند. آن ها محصولات صیفی و غله را بصورت نصفه کاری تقسیم می کنند و فرآورده های باغ نیز به نسبت یک به پنج قسمت می شوند.

در روستای اشتویه ۱۲۰ هکتار زمین دایر وجود دارد و وسعت اراضی بایر نیز بسیار زیاد است. عباس جاوید، یکی از کشاورزان، در این مورد می گوید:

"زمین بسیار مرغوب زهداست و در صورتی که تقسیم شوند، ما تا حد جان در راه خود کفایت کشاورزی مملکت کوشش می کنیم."

وی سپس چنین ادامه می دهد:

"ما به خون ارباب تشنه هستیم. این ها سال ها خون ما را مکیده اند و حالا بعد از انقلاب از ترس آمدن دوبرای ما یک حمام ساختند. اگر کمیته هفت نفری زمین ها را تقسیم کند، ما سالانه به بنیاد مستضعفین هر اندازه اضافه بپردازیم، کم می کنیم."

حسین سالارمنش، یکی دیگر از کارگران کشاورزی، می گوید:

"می توان از این زمین ها ۷۰۰ خرواز غله برداشت کرد و اینجا جای زندگی ۱۰۰ خانوار است. اگر قنات درست شود، آب فراوان وجود داشته باشد، می توان اراضی زیادی را به زیر کشت برد. ولی عدم توجه ارباب ها و ظلم و جور آن ها باعث شده که از این روستای ۱۰۰ خانواری اکنون ۴ خانوار باقی بماند. اگر جهاد فقط یک حکم به ما

نوازن با جمعیتی در حدود ۳۵ نفر (۸۵ خانوار) در ۳۲ کیلومتری شمال اراک در منطقه فراهان قرار گرفته است. تعداد خوش نشینان روستا زیاد است. در زمستان این عده که تقریباً اهالی را شامل می شوند، بیکارند. زحمتکشان نوازن نیز امسال چند برابر سال قبل زمین را کاشته اند، تا در این شرایط حساس به همین خود خدمت کنند.

احمد رضا، یکی از جوانان زحمتکش نوازن، که راننده تراکتور است و در جهاد کار می کند، می گوید:

"اژدها تقاضا کردیم برای تعلیم نظامی ما کمک کنند از طرف برادران سینه به سینه مدد و مردم روستا را آموزش دادند. در باره تجاویز رژیم خائن صدام مردم سستی، بیایقیه ای برافروخته، میگوید: "اگر ما فقط با صدام طرف بودیم تا بحال قورتش می دادیم، ما نه تنها با صدام، بلکه با امریکا در جنگیم."

متاسفانه مدتی است که بر سر زمینهای مزروعی اختلافهایی میان زحمتکشان روستای وزیرآباد و نوازن بروز کرده و حتی در مواردی به زد و خورد های جزئی نیز منجر گردیده است. اگر این اختلافات بوسیله هیئت هفت نفری هر چه زودتر حل نشود، ممکنست کار به زد و خورد های بیشتر نیز انجام دهد. این زمینه نیز وظیفه انقلابی مهمی متوجه هیئت هفت نفری است. زحمتکشان با هم برادرند و نفع مشترک دارند و باید علیه دشمن مشترک متحد شوند و برادر مساثل تولیدی و معیشتی خود را حل و فصل کنند آن امریکا که دهقان پیرمی گوید با آن در جنگ است و عمال آن آمریکا شیطان صفت، میخواهند ما بجان هم بیفتیم و حتی در نوازن وزیرآباد زد و خورد کنیم. خنثی کردن این نوع توطئه هام یک وظیفه انقلابی است. همه نهاد های انقلابی همه انقلابیون برای انجام این وظیفه انقلابی مسئولیت دارند.



در یکی از دهات آذربایجان شرقی هستیم. این دو عکس در یک روز گرفته شده، ولی حدود هشتاد سال عمر آنها را از هم جدا می کند.

مصطفی، دهقان پیر، ۸۲ سال دارد. هشتاد سال جز دهقانان بی زمین بود. حالا کمی زمین گرفته و جز کم زمین ها به شمار میرود. علی رغم ۸۲ سال رنج و زحمت، پیر از امید به آینده است. چشمانش گواهی می دهد و انقلاب لبخند بر لبانش نهاده است.

این دو کودک چوپان هم یکی "آزاد" است که کلاه دارد و دیگری "فامین". بناچار باید دامداری کنند، اما میخواهند درس بخوانند. آزاد یک کلاس هم درس خوانده و می گوید:

"اگر پدرم اجازه دهد، می خواهم درس را ادامه دهم." اگر شرایط زندگی اجازه دهد و امکانات باشد... آنها هم امیدوارند.

بذر این امید را انقلاب در دل مصطفی ۸۲ ساله و آزاد ۷ ساله کاشته است. با توجه به اساسی ترین خواست های آنها و بویژه کوتاه کردن قطعی و کامل دست بزرگ مالکان و اجرای همه بندهای قانون اصلاحات ارضی، این بذر را بارور سازیم و انقلاب را تحکیم کنیم.



دهقان زحمتکش می گوید: "ما خودمان توی سر ارباب می زنیم... در صورتی که تقسیم شوند (زمین ها) ما تا حد جان در راه خود کفایت کشاورزی مملکت کوشش می کنیم."

این حقیقتی است و باید به آن توجه جدی کرد. انقلاب بر نیروی پر توان این زحمتکشان تکیه دارد. نیروی پر توانی که می توان و باید با آنها، بهمان انقلاب را عمیق بخشید و دشمنان سوگند خورده آن را سرکوب کرد. هیئت های هفت نفری باید در اسرع وقت، با استفاده از این نیروی عظیم به اجرای قانون اصلاحات ارضی اقدام کنند. وسایه پلید غارتگران و توطئه گران را از زندگی آنان محو سازند.

اقدام انقلابی هیئت های هفت نفری موجب دلگرمی دهقانان می شود

روستای چوب تراش از توابع بکشلو چای، با ۵۴ خانوار و جمعیتی در حدود ۵۰۰ نفر، در ۱۲ کیلومتری ارومیه قرار دارد. کل اراضی قابل کشت روستا ۳۴ طناب است.

هیئت ۷ نفری ارومیه فعالیت بسیار مثبتی نموده، که موجب امیدواری دهقانان و تقویت پشتیبانی آنان از انقلاب شده است. هیئت برای تشکیل شورای ده به دهقانان کمک کرده و اراضی ارباب دفا را بین دهقانان بی زمین این روستا تقسیم کرده است.

اکنون تا مین آب زراعی دهقانان چوب تراش از رودخانه شهر چای مسئله مهمی را تشکیل می دهد، که اگر حل شود، به تولید فراوان تر و رضایت دهقانان منجر خواهد شد. سد روی این رودخانه ۲ سال است که خراب شده و دهقانان مجبور هستند که از ارباب سابق ده آب را ساعتی به قیمت ۴۰ تومان خریداری کنند.

دهقانان می گویند: حالا که هیئت ۷ نفری به طور عادلانه زمین را بین دهقانان تقسیم کرده، ضروری است که در اختیار آنان دیگر امکانات کشاورزی از قبیل آب، کمک فنی و غیره گذارده شود. تا دهقانان بتوانند بطور موثر در جهاد کشاورزی شرکت کنند و با تولید

بیشتر توطئه محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا را خنثی کنند. دهقانان زحمتکش چوب تراش برای دفاع از همین انقلابی در برابر توطئه آمریکایی صدام مزدور، خواستار این هستند که در سطح ملی شرکت کنند و فنون نظامی را یاد بگیرند. علی محمدزاده می گوید:

"ما مطیع امامیم. هر فرمانی بدهد، فرمانبرداریم و این دولت روی چشم ماست."

او مانند سایر دهقانان بهترین خاطر را از فعالیت هیئت ۷ نفری دارد و همه خواستار ادامه فعالیت هیئت ۷ نفری و حامی جدی آن هستند.

دهقانان زحمتکش به حق از نقش محکرمین و ضد انقلابیون در امر گرانی ارزاق ناراحتی خود را بیان می دارند و آنان را باعث این نابسامانی اقتصادی می دانند.

یکی زروستائیان (که بنامی میکند) می گوید:

"آقا، پولدارها روغن و برنج و دیگر چیزهای لازم را انبار می کنند و گران تر به مردم می فروشند. والا محصولات مملکت همان است و مال خودمان هم شده، ولی این طمعکارها قایم می کنند."

زحمتکشان ما امسال دو برابر سال قبل کاشته ایم دهلق: و اگر به ما زمین بدهند باز هم می کاریم

روستای دهلق در ۱۵ کیلومتری اراک قرار دارد و ۱۵۰ نفر جمعیت دارد. یکی از زحمتکشان روستا بنام محمد علی اکبری در ارتباط با فرمان امام خمینی مبنی بر کشت هر چه بیشتر زمینها میگوید:

"ما امسال دو برابر سال قبل کاشته ایم، و اگر زمین در اختیارمان قرار دهند، باز هم می کاریم."

می پرسیم: آیا زمینی هست که بشما بدهند؟ در جوابمان میگوید:

"بله! در حدود ۱۰۰ هکتار زمین بایر داریم، که اگر تحویلمان بدهند، ما همگی حاضریم آنرا بکاریم."

یکی دیگر از زحمتکشان دهلق، که عضو شورای ده است، در ادامه صحبتهاش میگوید:

"معداری زمین بایر در اطراف روستا بود که وقتی خوش نشینان ده برای اجازه کشت به هیئت هفت نفری مراجعه کردند، به آنها گفتند که یک شرکت که چند نفر از دانشجویان تشکیل داده اند، زمین را اجاره کرده است، ما میگوئیم در شرایطی که خوش نشینان ما بیکارند و آماده کشت هم هستند، چرا این زمین را بمانند می دهند؟ ما میخواهیم هیئت هفت نفری بوضع ما رسیدگی کند."

در باره آمادگی آنها برای نبرد با رژیم صدام مزدور می پرسیم. یکی از جوانان روستا میگوید:

"این جاکسی برای تعلیم مانیا آمده است، ولی چند نفر از اهالی روستا برای یاد گرفتن اسلحه به شهر رفته اند و تعلیم دیده اند، ما همه مسان از خدا میخواهیم که بیایند این جا و ما را تعلیم بدهند."

زحمتکشان روستای دهلق برای کمک به جبهه نبرد حق با باطل از نظر خوار و بار و پول کمکهای زیادی کرده اند.

طرح واگذاری زمین به دیپلمه های بیکار، اگر زیر نظر ارت دقیق و بر اساس تعاون واقعی باشد، طرح مثبتی است. نباید گذاشت بین این طرح و برنامه اساسی واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین تعارضی حاصل شود. در بسیاری از موارد میتوان بصورت مشاع یک تعاونی بزرگ و نیرومند و برخوردار از کمک های دولتی و نهادهای انقلابی تشکیل داد، تا همه نیروها، مشترکاً، بکار افتند و بدون هیچگونه برخورد منافعی بین قشرهای زحمتکش و انقلابی، اعم از دهقان و دیپلمه بیکار، زمین ها بزیور کشت برود و اقتصاد کشاورزی اعتلا یابد.

بسیار متشکرم از اینکه شما را مطلع کردیم. ما هم در انتظار شما هستیم. با احترامات فراوان، هیئت هفت نفری روستای وزیرآباد

به مناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا برخی از دستاوردهای کوبای سوسیالیستی در بیست سال اخیر

فرهنگ:

■ از پیروزی انقلاب تاکنون بیش از ۸۴ "خانه فرهنگ" در کوبا برپا شده است. که سهم به سزایی در برپایی فرهنگ هنری و فرهنگی جامعه داشته اند. ■ شماره کتاب های، که در کتابخانه های پس از پیروزی انقلاب در کوبا به چاپ رسیده است، از رقم کتاب های کمی پیش از آن در این کشور انتشار یافته است. ■ متجاوز است. تنها در سال ۱۳۵۷، ۹۶۶ کتاب گوناگون در ۲۲۵۶۰۷۰۰ نسخه در کوبا منتشر شد. ■ در کوبای پیش از انقلاب صنعت سینما وجود نداشت و تنها پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۳۸ تأسیس یافت. در دو سال پیش، حداقل هفت فیلم طولانی و ۳۸ فیلم مستند در کوبا ساخته شده است.

هنر:

■ پیش از پیروزی انقلاب در سه دانشگاه موجود تنها در ۲۴ رشته تخصصی تربیت می شد. اکنون ۳۵ مدرسه عالی، کالج و دانشگاه در کوبا هست، که در آنها در ۶۹ رشته تخصصی تربیت می یابد.

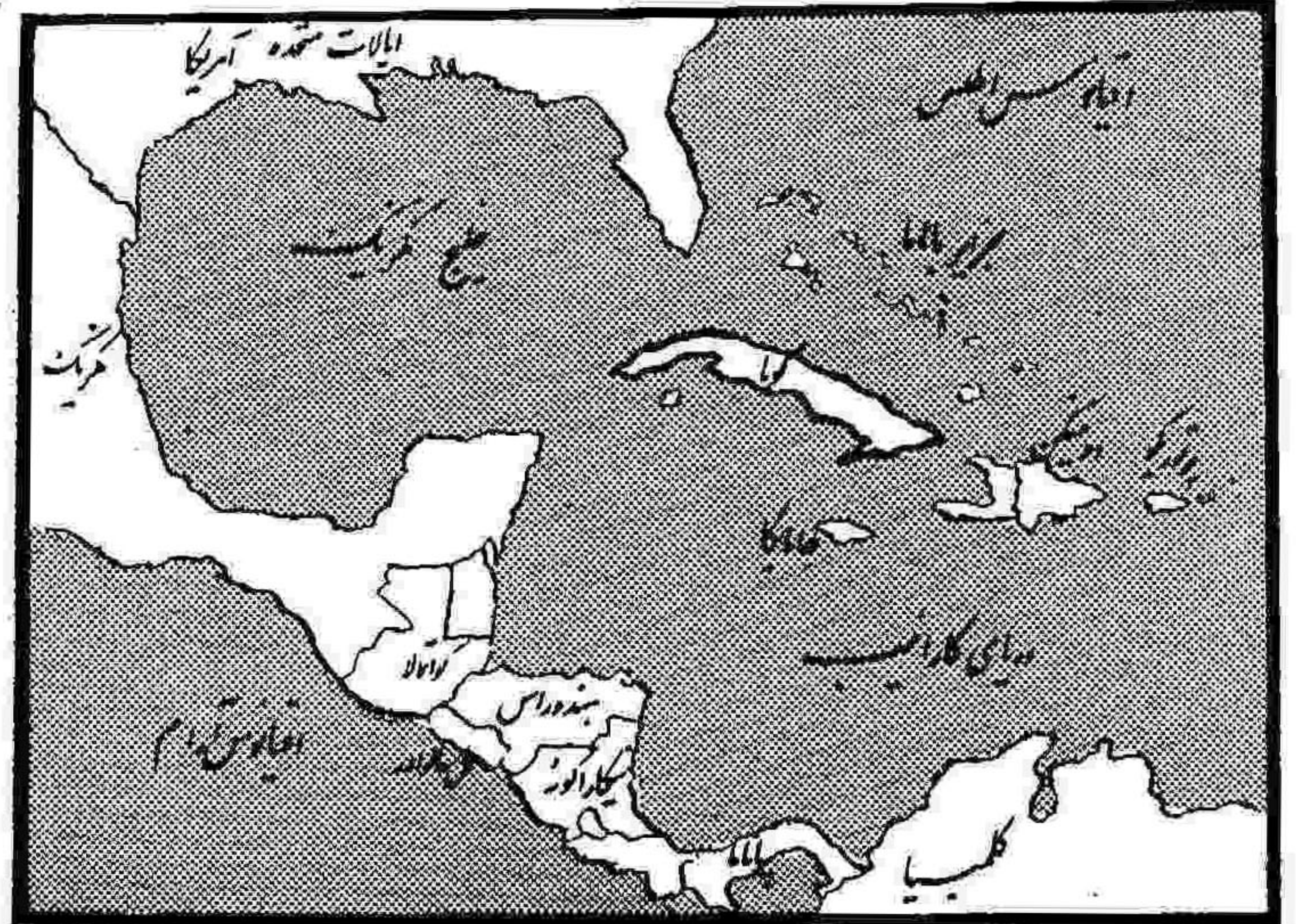
صنعت:

■ جدول زیر رشد تولید برخی از فراورده های صنعتی را در کوبا در دو دهه نشان می دهد:

فراورده	۱۳۳۷	۱۳۵۷
فولاد	۲۲ هزار تن	۳۰۰ هزار تن
برق	۳۹۷ هزار کیلو وات	۱۸۴۱ هزار کیلو وات

بهداری و پیشرفت:

■ بهداشتی و بهداشتی کوبا پیشرفته تر از همه کشورهای آمریکای لاتین است. خدمات پزشکی در کوبا به کلی رایگان است و هر ۶۶۹ کوبایی از یک پزشک بهره مند می شود. نرخ مرگ نوزادان، که در سال ۱۳۲۷ ۶۰ درصد بود، اکنون ۱/۹۳ درصد کاهش یافته است.



آموزش و پرورش:

■ پیش از پیروزی انقلاب، ۲۰ درصد مردم کوبا بیسواد بودند و میانگین سطح آموزش پایین تر از کلاس سوم بود. جنبش سوادآموزی در ۱۱ دی ۱۳۴۰ آغاز و در یکم شهریور ۱۳۴۱ کوبا به عنوان کشور ماری از بیسوادی اعلام شد.

■ در سال تحصیلی ۲۸-۱۳۳۷، تنها ۸۱۱۳۰۰ کوبایی به مدارس و دانشگاه می رفتند. که ۷۱۶۳۰۰ نفر را تاگردان دبستان ها، ۸۰۰۰۰ نفر را تاگردان دبیرستان ها و ۱۵۰۰۰ نفر را دانشجویان دانشگاه ها تشکیل می دادند.

کشاورزی:

■ در کشاورزی کوبا اینک بیش از ۲۴۰۰۰۰ هکتار از زمین های کشاورزی کادر فنی دبیرستانی اشغال دارند. برداشت محصول نیشکر در سال های ۵۷-۱۳۵۶ بیش از ۷/۳ میلیون تن بود، که پس از محصول ۴۹-۱۳۴۸ رکورد پیشین می رود. میزان محصول مرکبات، که پیش از انقلاب نزدیک به ۶۰ هزار تن بود، از انقلاب نزدیک به ۶۰ هزار تن رسید.

وات ساعت کلووات ساعت:

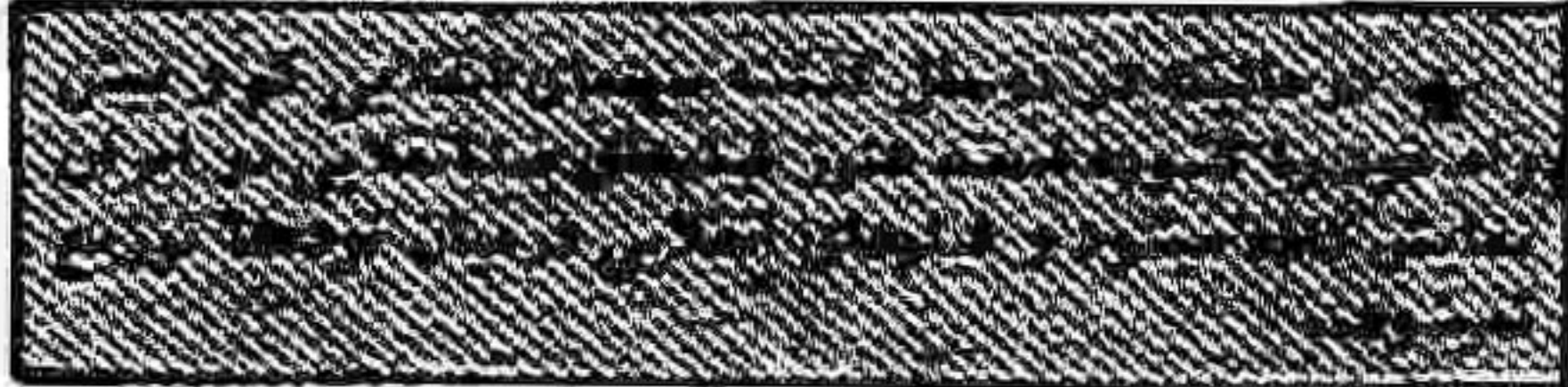
■ پیش از انقلاب ۵۵ سال پیش از انقلاب به ۷۰ سال افزایش پیدا کرده است. این رقم برای زنان ۷۳ است.

■ امروزه در کوبا بیش از ۵۶ بیمارستان و ۱۳۱ درمانگاه روستایی وجود دارد، که از سوی ساکنان محلی اداره می شوند.

■ در حالی که در سال ۱۳۳۹، در بیمارستانهای دولتی و خصوصی ۲۸۵۳۶ تخت موجود بود، این شماره دوسال پیش به ۳۳۱۰۳ رسید.

■ در سال ۱۳۴۹، بیماری فلج در کوبا به کلی ریشه کن شد. مالاریا نیز در سال پیش از میان رفت. در سالهای اخیر تنها دو مورد دیفتری در کوبا دیده شده است.

از سینمای راستین انقلابی دربار سینمای ضد انقلابی دفاع کنیم



در سالهای دراز پیش از انقلاب، سینما در میهن ما، در ذهن توده های محروم و مستبد مردم، با تحریف، تحمیق و تحقیر فکری بر سر بود. دور یک کلام، به تعبیر امام خمینی، از وسایل اصلی "اشاعه فحشاء" شناخته می شد. رژیم منقور پهلوی، بنا به سرشت ضد مردمی و نقشنیافته ای که داشت، "فرهنگ" را جز در قالب و محتوای مستذل، منقور و سفیج آن نمی پذیرفت و سینما را نیز جز در چارچوب چنین "فرهنگی" حقیقت نبود.

چنین سینمایی بود که از نخستین روزهای انقلاب آماج ختم مدیق توده ها گردید. سیاست فرهنگی دولت کلام به کام، به هیچ روی یا سخرخور و شایسته ای به این اعتراضات، پاک و خنماگین نبود. سینمای طاغوت با تمام جوانب و خواص چهارپوزرانه و غیرانسانیت پذیر بر سر بردگان حیرت زده مردم انقلابی سرازیر گردید و در راه جلوه گری پرده خاکی لیبیرالهای مقدس ماب، که به شدت نگران رواج فیلمهای مخرقی و "القاء" اندیشه های انقلابی بودند، به یاری انحصارات سینمایی غربی شتافتند و به مراکز نمایندگی آنان امید و تمسکین فعالیت بخشیدند. از سوی دیگر، سودجویان و با زماندگان طاغوت، با علم کردن جنبه های تجاری "صنعت" سینما و ناچیز گرفتن ارزشهای فرهنگی آن، هر نوع فکر مخالفی را به عنوان هواداری از رژیم کساد تولیدی و صنعتی به باد انتقاد گرفتند! این عادت دیرین و سرشتی سودگران است که از هر چیز برای جیب خود "کالا" می سودا و می سازند، حتی اگر گسترده ترین و خطرناک ترین ابزار فرهنگی هم مردم باشد.

قوت و تاناه ویی تظاهر مرعسه می کنند، چنین شکوهی در دو فیلم "آسمان خراش جهنمی" و "شهری در آتش" - که اخیراً در تهران به نمایش درآمده اند - به چشم می خورد. این هر دو فیلم هم آمریکا بی هستند، بی اینکه در تهران از یوسترهای لیبیرالیستی آنها استفاده شد. (ایضا، کلک دیگری برای قالب کردن فیلم های آمریکا!؟) در فیلم هائی نظیر "شهری در آتش" میکوشند وحشت های غیر حقیقی و کاذب را جایگزین دلنبره ها و نگارنهای راستین بختر سازند. وحشت های موهومی نظیر سوانح طبیعی (زلزله، آتش سوزی و...) و حیوانات عجیب الخلقه (کینگ کونگ، روارها و...) به عنوان مصیبت ها و فاجعه های ناچاره - ناپذیر و ماورا طبیعی نمایانگر می شوند، و از آنجا که راز دلنبره های راستین بختری چون فقر، استثمار، جنگ، بی فرهنگی، نابرابری، عقب ماندگی و... که همگی از رفان امپریالیست نظام جهانی سرمایه داری است، می گویند، فیلم "شهری در آتش" که در چند سینمای تهران به نمایش درآمده و به ظاهر هیچ رنگ سیاسی ندارد، بیش برنده، چینی - شکرده ای است.

استفاده از عواطف و علائق سیاسی - باید متذکر شد که، حربه اساسی سینمای غرب برای جلب مشتری استفاده بی دریغ از سگس و خشونت است. اما از آنجا که در ایران انقلابی این حربه تا حد زیادی کند شده است، سینمای غرب - مشخصاً برای کشورهای در حال رشد و ضد امپریالیست - چاشنی سیلی راه به زورانه ترین شکلی به کار می بندد. نمونه کاملاً چنین فیلمی "قیام بردگان" است که اکنون در چند سینمای تهران به نمایش است. فیلمی که هر ترمز پرور و بی ادبی از تحقیر و توهین نسبت به سیاه پوستان انباشته است. ولی با داعیه دفاع از بردگان سیاه به بازار می آید. در تمام تصاویر موجوداتی ترحم انگیز، "کله پوک" و نامتمدن تصویر شده اند که "بردی" در واقع گناه "سخت" ناپاک و فطرت "درجه دوم" آنها است! آخر امپریالیسم چه دفاعی دارد که از سیاه پوستان در جنوب تهران و شهرستانها - می یابد. بخششی از سرمایه داران بزرگ هم که برای سودجویی فیلم های مخرقی و معروف را وارد می کنند، چنانکه یاد شد از سلاخی آن کمترین ابائی ندارند. علاوه بر فیلم های مخرقی تنها در شمال تهران و حداکثر نزدیک سینما روی صحنه می آیند (مثلاً "ماریج" یا "محموم با عدم") در حالی که فیلم های مستذل چندین پرده را در سراسر کشور به خود اختصاص می دهند، (مثلاً "بزدگان سیاه") از جانب دیگر سرمایه داران بزرگ برای فیلم های خود دست به تبلیغات وسیع میزنند و صفحات روزنامه های پرتیراژ را ملو از آگهی نمایش فیلم های مورد نظر خود می کنند. در حالی که فیلمی مانند "کیک در آسمان" بی سر و عداوری می رسد، می آید و میبرد و کمتر کسی خبر می شود.

باز هم سانسور!؟

در این فرصت به جامی دانیم که از پدیده زشتی که در این اواخر فضای سینمایی را آلوده است، بیاد کنیم. سانسور فیلم های مخرقی میسر است. زشتی است که طاغوت از خود به یادگار گذاشت، این ماهیت آن رژیم منحوس بود که در پرتو حقیقت سفاکیهای خود را بر ملا رسوا می دید، و از این رو از رشد آگاهی و بیداری عمومی گرفت. ادامه چنین پدیده ای در نظام جمهوری اسلامی، که با آن نظام تفاوت بنیادی دارد، بنا بر واقع ناچاست. ما سانسور اندیشه های مخرقی در نظام انقلابی ما هیچ محل معینی ندارد و تنها به سود دشمنان انقلاب است. ما با بی بندوباری فرهنگی چنانکه "لیبرالها" می رانند -

با این وجود، سینما در کوبا حمایت مشتری و وابسته به علایق اوست در رژیمهای مخرقی مانند دوران شاه ملوون - نومانان سینما بکمره تابع هوسهای چند سرمایه دار فاسد و شکم پرست بود. اما در کشوری که مردم آن برای خودی انتخاب آگاهانه می شناسند، کنترل با زاری فیلم و حتی تا حد زیادی روند تولید فیلم را نیز - به طور غیر مستقیم - به اختیار خود در می آورند. و از رکنندگان فیلم، هر چند که با سرمایه های هنگفتی به میدان آمده اند، و از حمایت لیبیرالها نیز برخوردار باشند، قمار دروغها و بود برای مدتی طولانی "کالا" های بی غایت و بی ارزش را از تحصیل کنند، تنها شاگردان آگاه می توانستند در محیط مناسبی که به برکت انقلاب پدید آمده است - خواستها، نیازها و علایق خود را برپا سازند و با کمک سینما را - چنانکه باید - به قلمرو راستین فرهنگ بیاورند و انقلابی خویش بدل سازند. استقبال کم نظیر و "غیر مخرقی" مردم از دو فیلم از زنده ماندن و "گوتو فولاد پدیده شد" در ماههای اخیر شاهدهای بر این مدعا است. اگرچه دولت انقلابی، نیز با پدید آوری میدان به کمک مردم بیاید و بی منی کردن کامل بازرگانی خارجی انحصار کامل کالاهای وارداتی و از جمله فیلم خارجی را در اختیار خود بگیرد.

پاکسازی و...

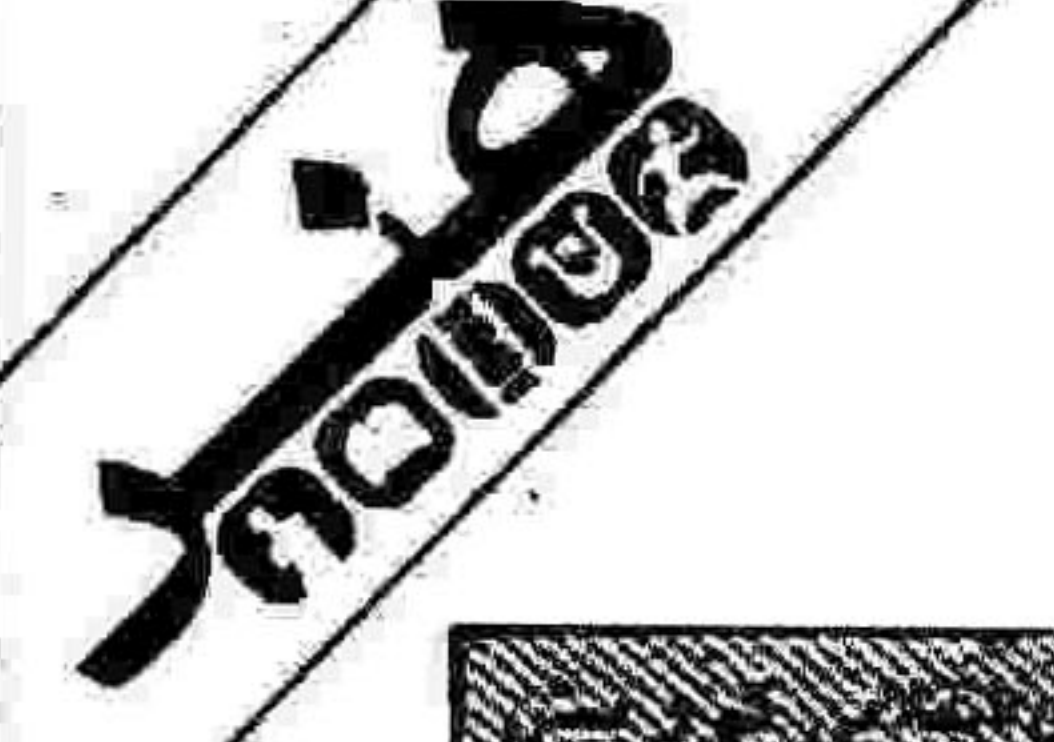
بقیه از صفحه ۳

عین حال نمی توان عدالت را زیر پا گذاشت و هزاران نفر را، بدون آنکه "بازار کاری" برایشان فراهم گردد، به کوچه ریخت. آنجا که سرنوشت انسانها، خانواده ها و کودکان آنها در میان است، یک حکومت مردمی هرگز نمی تواند از روی سهل انگاری تصمیم بگیرد.

برای اجتناب از کارها و تصمیماتی که بنیاد در حال و یا آینده به منافع جامعه و افراد لطمه بزند، باید کلیه تدابیر مربوط به پاکسازی و نوآوری دستگاه دولتی، طبق اصول و ضوابط و برنامه های معینی انجام گیرد.

در پایان اولی را که در بالا شرح دادیم، فهرست وار تکرار می کنیم:

- ۱- پاکسازی در یک انقلاب مردمی امری ناگزیر است. نظریه لیبرالها که می توان از دستگاه دولتی سابق نعمان نحو استفاده کرد، قابل انطباق با انقلاب و حاکمیت مردمی نیست.
- ۲- پاکسازی، مقدمه ضروری برای نوآوری دستگاه دولتی است.
- ۳- هدف اصلی از این نوآوری، ایجاد یک دستگاه کارای دولتی با حداقل هزینه است.
- ۴- شوه اصلی برخورد با متخلفان در نوآوری شوه اقتاع و تربیت است نه اعمال زور.
- ۵- از کارشدان دولتی، که در حین نوآوری بیگار می شوند، باید در کارهای مفید تولیدی استفاده کرد.



کنند، و مجاز شدن کلام کس و خشونت، تحقیر و تحمیق بشدت مخالفیم. اما ما سانسور اندیشه های مخرقی را - به ویژه در عرصه هنر، که گزند پذیرتر است - تا در دست مخالفین با سرشت و منافع انقلاب و امری غیر اخلاقی می دانیم. این بله به خصوص در ماههای اخیر دامنگیر آثار مخرقی و انقلابی سینمای اتحاد شوروی شده است. تا جاییکه فیلم "ارزنده" دن آرام، که معروفیت و اهمیت جهانی دارد و نسخه اصلی آن هفت ماه عقب طول می کشد، در تهران به صورت یک فیلم مثله و سلاخی شده دو ماهه درآمد! فیلمهای دیگری نظیر "چهل و یکمین، زنده باد لومومبا" انقلاب فرانسه نیز از سانسور غیر مسئولانه در آمان نماندند و تقریباً تمام محتوای مربوط به فعالیت حزب کمونیست شمالی از فیلم "ماریج" حذف شده است. این عمل هیچ ناسی جز مسخ و تخریب آثار هنری و توهین مستقیم به تماشاگر ندارد، و به هیچ وجه در شان جامعه انقلابی ما نیست.

در کشور انقلابی ما که قانون اساسی هر نوع سانسور را ممنوع شناخته و هیچ دستگاه رسمی برای سانسور سانسور فیلم ها - از نظر سیاسی - وجود ندارد، مسئولان موظفند تنها از اشاعه فیلم های ضد انقلابی و غیر اخلاقی جلوگیری کنند.

این کدام دست مرموز است که فیلم های ضد انقلابی را روی پرده می آورد و فیلم های انقلابی را سانسور می کند؟ بدون شک پاسخ این سوال را باید در دادا مه تسلط سرمایه داران بزرگ بر بخش عمده سینمای کشور - فراز چند سینما - پتیا دستمفین - جستجو کرد. بخشی از سرمایه داران بزرگ با تکیه بر سرمایه از طبقه خودشان، که هنوز در دستگاه اداری لانه کرده اند، و با استفاده از نبودن هیچ گونه قانون ویژه و کنترل دولتی به وارد کردن و پیش بردن آنها - ترین و مستذل ترین فیلم ها ادامه می دهند. متأسفانه تقریباً تمامی این فیلمها محل اصلی نمایش خود را در میان توده ها در جنوب تهران و شهرستانها - می یابد. بخششی از سرمایه داران بزرگ هم که برای سودجویی فیلم های مخرقی و معروف را وارد می کنند، چنانکه یاد شد از سلاخی آن کمترین ابائی ندارند. علاوه بر فیلم های مخرقی تنها در شمال تهران و حداکثر نزدیک سینما روی صحنه می آیند (مثلاً "ماریج" یا "محموم با عدم") در حالی که فیلم های مستذل چندین پرده را در سراسر کشور به خود اختصاص می دهند، (مثلاً "بزدگان سیاه") از جانب دیگر سرمایه داران بزرگ برای فیلم های خود دست به تبلیغات وسیع میزنند و صفحات روزنامه های پرتیراژ را ملو از آگهی نمایش فیلم های مورد نظر خود می کنند. در حالی که فیلمی مانند "کیک در آسمان" بی سر و عداوری می رسد، می آید و میبرد و کمتر کسی خبر می شود.

باز هم سانسور!؟

در این فرصت به جامی دانیم که از پدیده زشتی که در این اواخر فضای سینمایی را آلوده است، بیاد کنیم. سانسور فیلم های مخرقی میسر است. زشتی است که طاغوت از خود به یادگار گذاشت، این ماهیت آن رژیم منحوس بود که در پرتو حقیقت سفاکیهای خود را بر ملا رسوا می دید، و از این رو از رشد آگاهی و بیداری عمومی گرفت. ادامه چنین پدیده ای در نظام جمهوری اسلامی، که با آن نظام تفاوت بنیادی دارد، بنا بر واقع ناچاست. ما سانسور اندیشه های مخرقی در نظام انقلابی ما هیچ محل معینی ندارد و تنها به سود دشمنان انقلاب است. ما با بی بندوباری فرهنگی چنانکه "لیبرالها" می رانند -

باز هم سانسور!؟

باز هم سانسور!؟

« کتاب کهنه تزویر خواهد سوخت »

میان کوچه های رنج و هشاری، دگر باره ظنین غرض تدبیری پیچید تب ایثار میسوزد سر پای وجود توده ها را سخت روزی افزون

گلوی زخمی ایران، خروش نمره، تیر اوژان را وام می خواهد و فرزندان غیرتند.

بزرگوار فائله سالار آزادی، برادری رعاتت کام می گویند و ایمان پخته ها از گشته میازد. و در غرب و جنوب و شرق، حماسه میسر باید خون.

جنوب! ای داد سدار سرخوش! ای خاستگاه ختم زور افکن! به قربانگاه گردان سلجوقی توده ها سوخت: به زخم سینما سوخت! که تا مخرق و غرور توده ها بنگونه کوبنده است که نایاب رفیقان راهب شهر پندیده است سرود سرخ تو سوزنده تر از آتش خمیارهای وحشی صدام. کتاب کهنه، تزویر ادر دست آمریکا، ظفر مندان خواهد سوخت

ناهد - آبانماه ۱۳۵۹

بر این از اینها مالیاتی هم گرفته نمیشود و بار مالیاتی به دوش مستضعفین است.

وی سپس تاکید کرد که باید کاری کرد کسرمایه‌های را که در راه واردات بیکار افتاده بوند در خدمت کارهای تولیدی گرفت.

آنگاه محسوم مخیر کمیسیون بازرگانی در جواب صباغیان گفت:

«ما آن قانون را دیدیم، ولی اگر آن قانون بماند شونده دولتی کردن بازرگانی خارجی به توهمای ما می‌رسد و به آن صورت به درد ما و انقلاب ما نمی‌خورد»

پس از توضیحات اسامی، محارون وزارت بازرگانی، در مورد کلیات طرح دولتی کردن بازرگانی خارجی مبنی بر اینکه دولت باید ظرف ۳ ماه قانون مربوط به این کار را تهیه کند، رای گرفته شد که به تصویب رسید. پس از تصویب لایحه، مجلس به مدت یک ربع تفسیر داشت و قسمت دوم جلسه یا بحث در مورد حوادث اخیر شهرهای کشور آغاز شد. هنمای از نمایندگان با دادن یک طرح دوفوریتی خواستار رسیدگی سریع شورایی قضایی به حوادث اخیر کشور. در رسیدگی اسبابان، ۶۰ پد و... شدند. آنگاه حجت‌الاسلام مصدق‌نایب در مورد لزوم دوفوریتی بودن این طرح توضیحاتی داد وی گفت:

«باگر ما از این مسائل بگذریم، نظیر آن تکرار خواهد شد و عواقب ناگواری دنبال خواهد داشت»

در مورد دوفوریتی بودن این طرح رای گرفته شد که به تصویب نرسید.

اعتراض به افساء اسرار مملکتی

سپس موسوی علیه روزنامه انقلاب اسلامی، به دلیل انتشار اسرار امنیتی مملکتی، اعلام جرم کرد. در همین مورد نامه ۶۷ نفر از نمایندگان در اعتراض به انتشار اسرار مملکتی قرائت شد. در این نامه از جمله آمده بود:

«از آنجا که افشای اسرار کشور، خصوصاً هنگام جنگ خطرات عظیمی می‌تواند به دنبال داشته باشد و مجلس شورای اسلامی به حکم قانون اساسی مجاز اسرار است و اصل ۶۹ قانون اساسی نظر بر این مطلب است، لذا باید قریباً اتخاذ شود که حفاظت اسرار مجلس شورای اسلامی تضمین شود. اما برخلاف قانون اساسی و طبیعتی بودن جلسات، متأسفانه متشانه می‌شود که یکی از بزرگترین مسئولان و مجریان قانون اساسی، علیرغم محافظت از قانون اساسی، مسائل سری غیرعلنی مجلس را در چند نوبت، آتم بصورت تهریف‌شده، در روزنامه انقلاب اسلامی، تحت عنوان کارنامه رئیس‌جمهور افشا نموده و علاوه بر آنکه ضمن قطعاً از مطالب منتشره استفاده می‌نماید، به علت تهریف مسائل مطروحه ارتش، که از احترام خاص نمایندگان مردم برخوردار است، به مجلس شورا بیدین خواهد شد. بدین سبب است که این موضوع موجب شکاف بین ملت و ارتش خواهد شد و نتیجتاً ضربات جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی و استقلال کشور وارد خواهد ساخت. لذا ما به حکم وظیفه دینی و قانونی خود خواستار آنیم که مجلس شورای اسلامی از شورا قضایی قضایی و شورای عالی دفاع بخواهد این تفسیر آشکار قانون اساسی و افشاء اسرار حیاتی کشور، بخصوص در زمان جنگ و تصدیف مجلس شورای اسلامی تحت ریگرد قانونی قرار گیرد تا مسیبن آن از افشاء کننده و نشر دهنده مشخص و مجازات گردد»

پس از پایان قرائت این نامه، وقت جلسه مجلس نیز به اتمام رسید و اسامی غائبین قرائت شد.

جلسه پیمدی مجلس امروز تشکیل می‌شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

کانال سود آور تجارت باید به روی سرمایه‌داران بزرگ بسته شود

کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی در مجلس تصویب شد

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی در مجلس تصویب شد. در این جلسه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی را تصویب کردند. در این جلسه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی را تصویب کردند.

گسترش تعاونی‌ها

هراتی افزود: «واسطه‌هایی که در مملکت هستند و هیچ نقشی در تولید کالا ندارند، زانوگذاشته تفتی بالاپردن قیمت کالا را برعهده دارند و وقتی بازرگانی دولتی شود و شبکه‌های توزیع در اختیار دولت قرار گیرد، از افزایش بیرویه‌ها جلوگیری می‌شود. البته بعضی می‌گویند چون دولت شبکه توزیع در اختیار ندارد، نمی‌تواند کار را انجام دهد. درحالی که دولت می‌تواند با گسترش تعاونی‌ها و خودیاری مردم این مشکل را برطرف کند»

ناطق سپس خطاب به اولین مخالف طرح که محاصره اقتصادی را دلیل مخالفت خود آورده بود، گفت:

«مسئله محاصره اقتصادی که ذکر کردید اتفاقاً دلیل تأیید این است که دولت در چنین شرایطی باید اقتصاد را در دست بگیرد تا ستون بنگاه که در میان سرمایه‌داران توفه زده می‌تواند به انقلاب لطمه بزند. از این جنبه ما باید از وحدت انقلابی مردم استفاده کنیم و این وحدت به ما اجازه می‌دهد که طرح‌های انقلابی را بماند کنیم و ممکن است این فرصت دیگر دست ندهد»

هشم صباغیان درجین مخالف طرح دولتی کردن بازرگانی خارجی بود

ناطق دومین موافق این طرح‌ها سخنانش اظهار داشت: «آنچه که آقای صباغیان گفتند درست است. شورای انقلاب مصوبه‌ای در همین رابطه دارد. اما حقیقت آن مصوبه چیز دیگری است. آن مصوبه تصدیق‌های از تجاوز را بوجود می‌آورد که این‌ها جمع می‌شوند و از طریق این اتحادیه یا کمک وزارت بازرگانی خارجی کار می‌کنند، یعنی متمرکز می‌شوند. این ملی کردن بازرگانی خارجی نیست چیزی که اینک این طرح مطرح می‌کند، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است. در دوران کوتاهی واردات و صادرات تغییرات زیادی کرده است و ما باید در آن تجدید نظر کنیم. اگر دولت‌ها بتواند اقتصادیان را از وابستگی نجات دهند، راهی جز این ندارند. اگر قرار باشد بازرگانی خارجی دولتی شود، یک واردکننده، اگر محدودیتی برایش نباشد، می‌تواند هر کاری بکند»

قاچاق ارز زیر پوشش تجارت

وی سپس افزود: «در چنین شرایطی بیشترین کار، را دولت می‌کند. ولی بیشترین سود را کافر می‌برد و به مصرف کننده اجداع می‌شود. صحبت از یک کاسب خرده‌ها نیست، صحبت از یک کافر واردکننده بزرگ است که اگر قرار باشد آزادانه قیمت‌ها را بالا ببرد تأثیر بی روی چشمه می‌گذارد... در حال حاضر قیمت‌ها هر روز بالا و بالاتر می‌رود و دولت باید برای کنترل دخالت کند دولت مشکل است و باید دخالت کند. الان به‌خاطر همین جلوگیری نکردن، قاچاق ارز به‌صورت زیاد صورت می‌گیرد و نهار یا نستر که دراستاد خود بردند توانستند به این کار شکل قانونی هم بدهند. علاوه

لذا باید با کمک وزارت بازرگانی طرحی تهیه شود که قاچاق و خرابی‌های گذشته، با دولتی شدن بازرگانی خارجی، جلوگیری گرفته شود»

پس از سخنان نماینده کمیسیون بازرگانی، چند موافق و مخالف در ارتباط با این طرح سخن گفتند. اولین مخالف علم‌الهدی بود.

آنگاه هراتی به‌منزله موافق سخن گفت و از جمله اظهار داشت:

«قانون اساسی که شالوده جمهوری اسلامی است، این موقف شود در طول این ۳ سال قانون اساسی را در سطح جامعه پیاپی کرده بزرگترین رسالت خود را انجام داده است. علاوه بر این، فلسطین انقلاب ما سرمایه‌داران زانوگذاشته و مفت‌خوارانی هستند که همانند عراق در زمین به شکل ستون پهنه‌خالی با احتکار به طاعتی را می‌خواستند به این کشور وارد کنند و ملتی که خون می‌راند آنها خون می‌کشدند. مردم کیسه‌های شن را برای سنگ می‌بردند، این‌ها می‌کشدند این‌ها می‌کند و احتکار می‌کردند. اگر ورود کالا به این صورت باشد به صنایع نوپا ما لطمه می‌زند. واردکنندگان بخش خصوصی اصولاً افرادی هستند که گرایش بسوی وارد کردن کالاهای مصرفی دارند و سعی دارند از این طریق به سودهای کلانی برسند و هیچ دلسوزی برای جامعه ندارند. این‌ها حتی می‌تواند کالاهای زیاده‌بار را هم وارد کشور کنند. دولت می‌تواند وقتی بازرگانی در دست بخش خصوصی باشد، نظارت دقیق کند این عدم نظارت می‌تواند لطمه آفرین باشد. فلان تاجر با یک تلفن قیمت کالایی را ده میلیون گران کرده است و این باری بر دوش طبقه متصف است»

در حاشیه مجلس

اندک اندک جمع گردد

وقتی موضوع احداث به ولایت طبقه مطرح شد، رئیس مجلس، ابتدا درباره بیساری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، حمایت از مردم رزمندگان خوزستان، تلیت به آیت‌الله گلپایگانی توضیحاتی داد. وی آنگاه اعلام کرد که مجلس نیز به علت برگزاری راهپیمایی‌های روز پنجشنبه، در این روز جلسه‌ای نخواهد داشت.

آیا همین بس نیست؟

هشم صباغیان هنگام طرح ماده واحده مربوط به دولتی شدن بازرگانی، اسرار داشت که مصوبه لازم در این مورد در شورای انقلاب به تصویب رسیده زمان کافی است. او از نمایندگان سؤال کرد: «آیا این بس نیست؟»

مخالفت با قانون اساسی

حکام شروع بحث موافق و مخالف در مورد ماده واحده مربوط به دولتی شدن بازرگانی خارجی، یکی از نمایندگان گفت: «مخالفت با این طرح مخالفت با قانون اساسی است»

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علما گری پرورش تشکیل شد، کلیات طرح ملی کردن بازرگانی خارجی به تصویب مجلس رسید و از دولت خواسته شد که ظرف سه ماه قانون لازم برای این کار را تهیه کند. در آغاز این جلسه، موحی سواجری نماینده ساوه، به عنوان اولین سخنران پیش از دستور، درباره اینکه چه کسانی ناراضی هستند، سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«باید دید قبل از انقلاب چه کسانی ناراضی بودند و چه کسانی ناراضی و بعد از انقلاب در اثر زحمات شبانه‌روزی نپایداری انقلاب چه کسانی ناراضی شدند، و چه کسانی ناراضی. قبل از انقلاب لاشخورها، سرمایه‌داران که از راه‌های نامشروع سرمایه گرد آورده بودند، ساواک‌ها... این‌ها بودند که قبل از انقلاب روی زانوگذاشتی از رژیم پیشین ناراضی بودند، ولی اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران ناراضی بودند. کارگران، کشاورزان، توده‌های... مردم همه ناراضی بودند. اکثریت ملت ایران که دستگاه دهان و قلم‌نما را به دست برد، بعد از انقلاب آزاد شدند و حداقل در مسیری قرار گرفتند که به حقوقشان برسند. اما آن‌هایی که ناراضی شدند، همان‌هایی بودند که در دوره شاه چه کارها که نمی‌کردند، آن انگلیها ناراضی شدند»

پیمود وضع جیبه‌ها

دومین ناطق پیش از دستور نصرانی، نماینده آبادان بود که بیارمون مسائل جنگ سخن گفت. وی ضمن اشاره به وضع جیبه‌ها اظهار داشت:

«از آغاز جنگ تاکنون تعدادی از پرادران به دهات مسافر را عمدتاً در ارتباط با وضعیت و کسب‌وکارهای یان کردند که به نظر من بارهای از واقعیت بود، ولی نتیجه‌گیری درست نشده است. اوضاع جنگ نیست به روزهای شروع در بیشتر جیبه‌ها بسیار بهتر شده است، نظم و انضباط بوجود آمده، ضعف فرماندهی جبران شده... و پیشروپای سریع دشمن متوقف شده است. این می‌رساند که تمامی مسئولین در این مدت یکبار تنگ‌نفسانه و تلاش شبانه‌روزی کرده‌اند تا موفق شده‌اند. ناراحتی‌ها و ناامیدی‌های روز اول را به امید تبدیل کنند»

نمایند آبادان سپس تاکید کرد که ضعفها و شکستهای موسمی در یک جنگ تعیین‌کننده سرسخت آن جنگ نیست. او افزود:

«ما از آغاز جنگ در هوا و دریا بر دشمن برتری کامل داشته‌ایم و در زمین کسب‌وکارهای وجود داشته است که باید علل آن را بررسی کرد. این‌ها معلول دخالت‌های استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا جهت‌انوار است، که انقلاب ما به آن لطمه زده است»

دولتی کردن بازرگانی خارجی

پس از پایان سخنرانی‌های پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد. قبل از ورود به دستور، علما گری پرورش، نایب رئیس مجلس، ابتدا درباره بیساری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، حمایت از مردم رزمندگان خوزستان، تلیت به آیت‌الله گلپایگانی توضیحاتی داد. وی آنگاه اعلام کرد که مجلس نیز به علت برگزاری راهپیمایی‌های روز پنجشنبه، در این روز جلسه‌ای نخواهد داشت.

سپس طرح دولتی کردن بازرگانی خارجی برای شروع اول در مجلس مطرح شد و محسوم مخیر کمیسیون بازرگانی گزارشی مربوط به این طرح را قرائت کرد. براساس این طرح پیشنهادی و در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت مکلف است که ظرف سه ماه مطالعات لازم را برای ملی کردن بازرگانی خارجی به عمل آورد. محسوم در این مورد گفت:

«در دوره شاه کشور ما قلم‌صوری بود و حدود ۳۰۰ هزار قلم کالا وارد کشور می‌شد و کالاهای بی‌ارزشی سودآورترین کالاهای بود. حال سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند آن سیاست قبل باشد و این کالاهای باید بسته شود. بخصوص آنکه بعد از انقلاب سوء استفاده‌های زیادی شده. هم مردم از خیال خود شدم، هم در وارد کردن کالاهای ضروری مردم از انحراف شده و عمده سرمایه خود را از جریان تولید بیرون کشیدند و در راه تجارت انداختند»

بیماری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

در جلسه دیروز مجلس علما گری پرورش اعلام کرد که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به علت بیماری و انجام عمل جراحی بستری است. ما امیدواریم رئیس مجلس شورای اسلامی هرچه‌زودتر بهبود یابد و در جلسات مجلس حاضر شود.

آیت‌الله منتظری: آمریکا و دستیارانش به فکر گشودن جبهه جنگ در داخل صف ملت افتاده‌اند

آیت‌الله منتظری در مورد توطئه‌هایی که برای تضعیف مقام رهبری انقلاب و روحانیت مبارز بیرو خط امام، انجام می‌گیرد، اعلامیه‌ای صادر کردند. در قسمتهایی از این اعلامیه آمده است: «در چنین شرایطی آمریکا و دستیارانش به فکر گشودن جبهه جنگ در داخل صف ملت متعهد قهرمان و فدائکار ایران افتاده و جریاناتی را بوجود آورده است که هرکدام خیال خد آنها نتوانست هدف شیطنی آنان را تحقق بخشد و در ضمن فرصت‌ها را و جذب نیروی جدید را بدهد. ولی هوشیاری و آگاهی ملت ما و رهبری صحیح انقلاب چنین مجالی را از او گرفت. آمریکا خوب می‌داند با بودن سه‌عامل ذکر شده بقول رهبر انقلاب هیچ‌طی نمی‌تواند بکند، لذا تلاش می‌کند برای تضعیف آنها شروع کرده. هر کس با یک جمع‌بندی ساده می‌تواند ارتباط سازمان‌دهنده شده بین فضاها و حوادث ساختگی راه که در چند شهر و اجرا در افغانستان رخ داده درک نماید حوادثی که متأسفانه ایجاد و قیامت ویرانی آن متعجب به هتک احترام به ساحت پاک ولایت فقیه و مقام مقتم رهبری انقلاب گردید...»

هتکار میدهم که آمریکاز هجوم یت عراق به‌جمهوری اسلامی ایران چیزی بدست نیآورده و اکنون برای رسیدن به اهداف شیطان خود باجدیت مشغول اجرای نقش جدیدی است...»

مردم باید با این حوادث کاملاً آگاهانه برخورد نموده و عوامل اصلی توطئه بزرگ را شناسایی و بدیگران معرفی نمایند و بدانند آنها را که در چنین شرایطی روزی شکلی جریانی را دامن می‌زنند و زمینه هتک حرمت به مقدمات مذهبی مردم را فراهم می‌نمایند دانسته یا ندانسته درخمت آمریکا و امریالیسم قرار دارند»

آیت‌الله منتظری در پایان اعلامیه، مردم را به شرکت در راهپیمایی روز پنجشنبه ۲۷ آذر در پایان اعلامیه، مردم را به شرکت در دعوت کردند.

حشمن توانسته است تیروهای انقلابی و مسئولان کشور را در خواب کند. در جرایم کشور، بویژه در دادور تلووزیون، بیروست به‌خطر توطئه‌های امریالیسم آمریکا، ضد انقلاب داخلی و لیبرالیسم تاکید می‌شود. جریان امام خمینی - مذهبی کشوربویژه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با افشای توطئه‌های آمریکا و دعوت به وحدت، مردم را حثیار و آماده نگهیدارند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی درنطق‌های خود بر این جنبیاری و آمادگی می‌افزایند.

این حثیاری و آمادگی مایه خرسندی است، اما هنوز کافی نیست، زیرا گسترش دامنه‌فعالیت ضدانقلاب نشان می‌دهد که دشمن صف متحد خود را تشکیل داده است. بنظر ما - محظور که بارها گفته‌ایم - مؤثرترین راه مقابله با جبهه متحد ضدانقلاب، تشکیل جبهه متحد خلق است. نیروهای انقلابی باید با اتحاد خویش زیر رهبری امام خمینی، برای درهم‌شکستن توطئه هشم امریالیسم آمریکا از هریراره آماده شوند. با اتحاد خلق و نیروهای انقلابی می‌توان و باید توطئه هشم امریالیسم آمریکارا نیز درهم شکست و باریدیک ثابت کرد که امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»

میراننده، تشنج و درگیری بوجود می‌آورند، تفرقه را دامن می‌زنند و رهبر انقلاب و روحانیت مبارز بیرو خط امام و سایر نیروهای انقلابی، بویژه حزب تودما ایران را مورد حمله قرار می‌دهند. تاکنون تهران، مشهد، اصفهان، اهلیجان، شاهر، بابل، آمل و لاهیجان شاهد اجرای مرحله اول توطئه بوده‌اند.

مرحله دوم توطئه از مدارس آغاز شده است. تاکنون در تهران، رشت، مشهد، لاهیجان، نگرود و کلاچای مدارس به آموزش کتیده شده‌اند، و در برخی موارد این آشوب حتی به خیابانها کشیده شده است. حجت‌الاسلام خاخری امام جمعه تهران بدرستی تاکید کرد که: «این یک توطئه است و دقیقاً حاشیسه ویا توطیه به‌همه‌جوانی چیده شده است».

مرحله سوم که ضدانقلاب در تدارک آنست، قرار است، با به انصاف کشاندن کارخانه‌ها، شرکت واحد و تاکسی‌ها به اجرا درآید، تا بدینوسیله تشنج و درگیری و فلج‌شدن زندگی به اوج خود برسد.

متأسفانه در تمام این مراحل برخی از عناصر ناآگاه و حتی برخی از عناصر و گروه‌هایی که خود را خلقی و انقلابی میدانند نیزیدام توطئه جدید امریالیسم

توطئه هفتم ...

ایران در باکو منتظر شد. و درست روز ۱۸ تیر، به بیانۀ پاکسازی تهران از دهکده - که بدینا به پوئه قراموشی افتاد - تهاجم گسترده‌ای علیه دهکده‌داران آغاز شد و با کمک هیکلاری‌ها، تهران در چندجنگ بزرگی فرود رفت»

همه این حوادث درروزنامه‌ها شمسک میشد، ولی تنها چیزی که درباره آن سخن گفته‌نمی‌شد، خطل آمریکا بود که خطل اصلی و فوری بود. تنها پس درهم‌شکستن توطئه کورتا بود که همه بدیافتند که این کار در ۱۸ روزه برای بردموشی برکدام واقعیت بریا شده بود.

توطئه هفتم

تدارک توطئه هشم آمریکا در شرایطی آغاز شده است که آرایش نیروهای طبقه به نسبت تشنه‌ای پیش تغییر کیفی کرده است. لیبقاتی آشکارتر شده است. لیبرال‌ها مواضع حساس و مهمتر از همه دولت را از دست داده‌اند و اکنون قسط در دست‌های درجه دوم حضور دارند. مجلس شورای اسلامی فعالیت شنبی دارد و با اینکه وزیر امور خارجه هنوز تعیین نشده، سیاست خارجی ایران گام‌های مثبتی در راه نزدیک یا کشورهای شرقی اسلامی برداشته است. توطئه ششم امریالیسم آمریکا - تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام علیه ایران - از نظر سیاسی کاملاً یا شکست زوربر شده و از نظر نظامی به اهداف خود نرسیده است. اینک انقلاب در آستانه یک تغییر کیفی است. در نتیجه این تغییر وضع، امریالیسم آمریکا، بکک ضدانقلاب پرورده‌اش، توطئه هشم خود را آغاز کرده است.

توطئه جدید امریالیسم آمریکا سه هدف اساسی دارد:

- ۱- تفرقه‌افکنی بین نیروهای انقلابی و مسئولان کشور.
- ۲- بدینین کردن توده‌ها به رهبر انقلاب، روحانیت مبارز و خط امام و نیروهای انقلابی‌خاندان حزب توده ایران.
- ۳- ایجاد تشنج و درگیری در سراسر کشور برای فلج کردن زندگی.

همه اینها می‌باید زمینه را برای لحظه وارد آوردن ضربه قطعی آماده سازد.

توطئه جدید امریالیسم آمریکا مانند حلقات زنجیر، مرحله به مرحله به اجرا درمی‌آید: مرحله اول با چندجنگ درباره «آزادی» به اجرا درآمده است. سخنرانی‌های مشکوک و تهاجمی مشکوکتر در اجتماعاتی که در گروه موافق و مخالف به‌جان‌هم

حجت الاسلام محمد خاتمی:

اول آمریکابعداروپای غربی علیه انقلاب ایران توطئه میکنند

حجت الاسلام محمد خاتمی سرپرست هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ۶ کشور اروپایی (آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان و یوگسلاوی) عصر دیروز در یک محاسبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

حجت الاسلام محمد خاتمی در این محاسبه حجت الاسلام خاتمی ابتدا در مورد این سفر و نتایج حاصله از آن توضیحات داد و متذکر شد که کشورهای اروپای غربی با اینکه تظاهر به قبول انقلاب اسلامی ایران می کنند ولی در واقع انقلاب ایران را محکوم می کنند و علیه آن توطئه ترتیب می دهند.

شوخی نیست...!

دکتر صادق قانعی متخصص «القاء ایدئولوژی»

مدتی است بیماری «آ ایدئولوژی» (A) - بمعنای کمبود است) بصورت واکبر (ایدی) در کشور ما شیوع یافته و در طب من غلغله است. من متخصص القاء ایدئولوژی هستم و غیر از دو نوع ایدئولوژی، که قبیل القاء نیستند، هر نوع ایدئولوژی که بیمار بخواند، می توانم به او القاء کنم. از جمله ایدئولوژی های شبه مارکسیستی، نیمه مارکسیستی، ضد مارکسیستی، ضداسلامی، شبه اسلامی، اسلامی آمریکائی، مائوئیستی، مائوئیستی افراطی چه، مائوئیستی افراطی راست، بورژوازی، کلان-بورژوازی، نیمه بورژوازی، لیبرالیسم، لیبرال-مائوئیستی، نیمه لیبرالی، تمام لیبرالی، انقلابی، انقلابی راست، انقلابی چه، فئودالی، فئودال-بورژوازی، بورژوا - فئودالی... خلاصه انواع و اقسام و اشکال ایدئولوژی.

نام من صادق است، یعنی من صادق و با صداقت کار میکنم و اگر ظاهرا کلکی در کار من مشاهده شود، این کلک مربوط به شغل و حرفه من است و کسی نباید در صداقت من شک کند. و نام فامیل من «قانع» است، یعنی من قانع هستم، نه فقط باین دلیل که پولدریزیت کم میکنم، و یا اصلاح میکنم، بلکه از این جهت که بیمار هر قدر ایدئولوژی بخواند، همان قدر به او القاء میکنم. اگر کشش باشد، بعد دوباره رجوع خواهد کرد.

من متخصص القاء ایدئولوژی هستم، و چون تجربه هم دارم، میدانم که دونوع ایدئولوژی قابل القاء نیست: یکی ایدئولوژی اسلامی (نه هر اسلامی)، آن اسلامی که میخواهد سر به تن آمریکا، سرمایه داران یزرگ، فئودالها، محترمان، جباران خارجی داخلی نباشد؛ یکی هم ایدئولوژی مخصوص «توده ایها» است. «توده ایها» در واقع ایدئولوژی قابل القاء به احدی نیستند. دارندگان آنها یک عضو حزمت کشیده اند، تا آنها را یاد گرفته اند و اگر هر متخصص القاء ایدئولوژی ادعا کند که از این دونوع ایدئولوژی میتوانم القاء کند، دروغ گفته است.

ولی در مورد این دو نوع ایدئولوژی کلکی بدم، که گاهی به کار میرسد. این ترفند حرفه ای من است. به آنها که ایدئولوژی اسلامی از نوع ضد استکباری دارند، میگویم: تو «توده ای» شده ای، تا یا از ایدئولوژی خود دست بردار و بدین وسیله لقبیت کند که «توده ای» نیست، یا لاف «توده ایها» را فحش کاری کند. در عوض به «توده ایها» هم لقب «آیت الله» دادم و به «توده ای» میگویم: تو ایدئولوژی اسلامی را به عاریت گرفته ای، تا «توده ای» هم به سوسو ستکبران با ایدئولوژی اسلامی مخالفت کند. اما تجربه تاکنون به من ثابت کرده است که این ترفند حرفه ای من تقریباً هیچ تأثیری ندارد. اوایل کمی تأثیر داشت، یعنی برخی مسلمانان «توده ایها» فحش کاری میکردند و هنوز هم برخیها به اینکار ادامه میدهند. ولی مرتباً از تأثیر این ترفند کاسته میشود.

سه هفته پیش جوانی به من مراجعه کرد (صفحه ۱۴۱ دفتر) و تقاضا کرد که قدری ایدئولوژی لیبرالی به او القاء کنم. پرسیدم چکاره ای؟ گفت کارگر. به او گفتم ایدئولوژی لیبرالی به تو قابل القاء نیست و او را فرستادم رفت. من میدانم چنوع ایدئولوژی را به چه کسی میتوان القاء کرد.

در دفتر (صفحه ۱۵۴) یادداشت کرده ام: مردی که سابقه بسیار و بفروش داشته مراجعه کرده است. مزاج او خیلی استمداد القاء ایدئولوژی لیبرالی داشت. من افراط نکردم. فقط به او حالی کردم که اگر این انقلاب پریشانه بگیرد، تو دیگر اگر پشت گویشت را زدی، «بزاز» و بفروش هم خواهی دید. گفت چیکم؟ گفتم نگذار با بگیرد. گفت چگونه؟ گفتم بلند بگو آزادی میخواهم (و توی دلت بگو برای بزاز و بفروشی). با تشکر مسیانه طبیباً ترک کرد.

مردی که کارش خرید فلل از پاکستان کفرانس یک شورای دانشی سازمان دکر اتیک زنان افغانستان را انتخاب کرد و از همه زنان خواست که در مبارزه برای سازمان جامعه نوین فلل از پاکستان شرکت کنند.

تظاهرات دانشجویان آلمانی علیه استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی

بیش از پنجاه هزار تن از دانشجویان، استادان و نمایندگان سازمانهای ترقی خواه آلمان فدرال علیه تصمیم بیان نظامی ناتو در زمینه استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی، دست به تظاهرات زدند. در ایسن تظاهرات، که در چند شهر بزرگ برپا شده، قطعه نامه های در مخالفت با افزایش بودجه نظامی آلمان فدرال صادر کردند و خواستار افزایش این بودجه برای معارف اجتماعی شدند.

پلیس برلین غربی تظاهرات مردم بی خانمان را وحشیانه سرکوب کرد

در برلین غربی، برای دومین دره، برخورد میان شهروندان بی خانمان و پلیس ادامه دارد. افراد پلیس وحشیانه به خانه های مردم آواره و بی سرکن در آنها سکنی گزیدند، حمله کردند و با گاز اشک آور و باطوم آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در نتیجه این افعال وحشیانه، عده ای زخمی و ۶۰ تن بازداشت شدند.

بانو گاندی: دوستی هند و اتحاد شوروی پیش از پیش گسترش خواهد یافت

بانو ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، گفت که دیدار توفید پرزف، رهبر اتحاد شوروی، از دهلی نو، قدرت و دوام روابط دو کشور را مورد تأکید قرار داده است. خانم گاندی ابراز امیدوار کرد که روابط دوستی دو کشور پیش از پیش گسترش خواهد یافت.

سازمان ملل متحد باز هم اسرائیل را محکوم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به بحث های خود در مورد مساله فلسطین پایان داد. در استادی که بوسیله اکثریت قاطع اعضاء به تصویب رسید، بار دیگر لزوم تسریع در اجرای قطعنامه های سازمان ملل متحد در مورد حقوق ملت فلسطین، مورد تأکید قرار گرفت. در اسناد تصویب شده، از شورای امنیت خواسته میشود که تدابیر قاطعی در زمینه وادار ساختن اسرائیل به اجرای قطعنامه های سازمان ملل متحد اتخاذ کند. در یکی از قطعنامه ها تصمیم اسرائیل در مورد تبدیل بیت المقدس به پایتخت خود محکوم شده است. در قطعنامه دیگر تأکید شده است که موافقتنامه های جداگانه در خاورمیانه با برقراری صلح عادلانه در منطقه مغایرت دارد.

نگرانی کر اروپای غربی از سخنان جنگ طلبانه آمریکائی ها در مورد لهستان

خبرگزاری قالی از نیویورک گزارش داد که یک هیئتی نظامی ضد شوروی در اطراف لهستان، در آمریکا دامن زده میشود. این خبرگزاری، به نقل از روزنامه های آمریکائی، می افزاید که هدف اعلامیه های تحریک آمیز کالتر و پرزینسکی آن است که تحولات از همه مرزهای منطقی فراتر رود. سخنان جنگ طلبانه بوسیله سخنگویان دولت کنونی آمریکا، هم در آمریکا و هم در خارج آمریکا، بویژه در اروپای غربی، نگرانی جدی بوجود آورده است. در اروپای غربی، این نگرانی وجود دارد که آمریکا تلاش می کند امنیت اروپا را نابود کند.



رهبران کنونی پکن، جنایات دوران «انقلاب فرهنگی» را تأیید می کنند

رهبران چین اکنون بیش از پیش به جنایات دوران «انقلاب فرهنگی» و بعد از آن اعتراف می کنند. هوایوانگ، که گفته میشود بجای هواکوفنگ، صد حزب کمونیست چین خواهد شد، در مساجه با چند روزنامه نگار یونانی، دوران «انقلاب فرهنگی» را در زمانی فاجعه آمیز برای چین خواند. وی گفت: در این دوران که از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ به طول انجامید، صیحت های بزرگی به کشور وارد شد و به اقصاء فرهنگ شریات جبران ناپذیری وارد گردید.

هوایوانگ درباره نقش ناتو در این جنایات سکوت اختیار کرد. بسیاری از شخصیت های که هم اکنون در پکن محاکمه می شوند، گفته اند که در دوران «انقلاب فرهنگی» تنها نقش یک «مامور» و «دستیار» را به عهده داشته اند.

اعتصاب غذای مبارزان، در زندانهای ایرلند شمالی

در زندان «مشیر» در ایرلند شمالی، ۳۳ زندانی مبارز دیگر دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب بعنوان هسته ای با ۷ زندانی مبارز دیگر، که پیش از چهل روز است دست به اعتصاب غذا زدند، صورت گرفته است. این ۷ تن تقاضا دارند مانند زندانیان سیاسی با آنها رفتار شود، زیرا بخاطر مبارزه علیه اشغال اولستر «ایرلند شمالی» بوسیله نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. دولت انگلستان حاضر نیست با این تقاضا موافقت کند، هر چند که زندگی این ۷ تن جدا در معرض خطر قرار گرفته است.

یاسر عرفات سیاست امپریالیسم آمریکا در قبال خلق عرب فلسطین را محکوم کرد

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، سیاست دولت آمریکا در برابر مبارزه عادلانه خلق عرب فلسطین در رام دستپای به حقوق مشروع خود محکوم کرد. وی طی بیاناتی در پایتخت لبنان خاطرنشان ساخت که، تبلیغات خصمانه امپریالیسم آمریکا علیه خلق فلسطین و یگانگی نماینده واقعی آن سازمان آزادیبخش فلسطین، زمینه مساعدی را برای وحشیگریهای نظامیان اسرائیلی فراهم میسازد.

ادامه کشتار مبارزان انقلابی در السالوادور

سختگوی کلیسای کاتولیک در سان سالوادور، پایتخت السالوادور، اعلام کرد که طی ۶ روز گذشته، بیش از ۱۴۴ تن در این کشور کشته شده اند. وی تأکید کرد که مسئولیت این قتلها به گردن ارتش و پلیس السالوادور است، که به دستور رژیم دست نشانده و وابسته به امپریالیسم آمریکائی عمل میکنند. مقرران سیاسی محلی، در ارتباط با تغییرات در داخل داروستانه نظامی السالوادور، به تعدیه قتل و تضییقات اشاره کرده و این جریانات را یک کودتای واقعی شمرده اند. در همین زمینه، باید به احتمال روی کار آمدن محافل راستگرای تندرو در ارتش این کشور اشاره کرد.

Advertisement for 'Mardom' newspaper. It includes the title 'نامه مردم' (Mardom), the address 'ارگان مرکزی حزب توده ایران' (Central Organ of the Tudeh Party of Iran), and a list of subscription prices for various countries: West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr.). It also mentions 'No. 397' and '17 December 1980'.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم